

## تحلیل گفتمان سیاست های عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب اسلامی

محمد نبی بهمن پورخالصی<sup>۱</sup>، مهربان هادی بیگانی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۲- استادیار گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

## چکیده:

این مقاله مروری با بهره گیری از روش تحلیل مضمون به بررسی گفتمان سیاست های عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب اسلامی ایران می پردازد. داده ها شامل متون رسمی برنامه های پنج ساله توسعه، لوایح قانونی و سخنرانی های رؤسای جمهور در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۵۸ است که با خوانش مکرر و کدگذاری اولیه، سه مضمون محوری عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری، استخراج و بازبینی شد. یافته ها نشان می دهد هر دولت بسته به اولویت های ایدئولوژیک و شرایط ساختاری، بر یکی از این ابعاد تأکید داشته، اما هسته نظری و ارزش های بنیادین عدالت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ثابت باقی مانده است. تحلیل رابطه میان مضامین و مصادیق عملی حاکی از آن است که گرچه سیاست های توزیعی و مشارکتی در بسیاری موارد مکمل یکدیگر بوده اند، گاهی در اجرا از انسجام لازم برخوردار نبوده و تداومی خطی نداشته اند. اهمیت پیوند میان ابعاد توزیعی، مشارکتی و هنجاری برای تقویت کارآمدی و عدالت بخشی سیاست ها مورد تأکید قرار می گیرد. در پایان، پیشنهاد می شود پژوهش های آینده بر سنجش اثربخشی هر یک از مضامین بر شاخص های کمی عدالت (مانند ضریب جینی و نرخ فقر) متمرکز شوند تا امکان طراحی راهبردهای تلفیقی و هدفمند فراهم گردد.

کلیدواژه ها: عدالت اجتماعی، تحلیل مضمون، گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی، عدالت هنجاری، سیاست اجتماعی.

## مقدمه

در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی، مفهوم عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین گفتمان انقلاب مطرح شده و در لایه‌های گوناگون سیاست‌گذاری داخلی و خارجی تبلور یافته است. از همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب، رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب به عدالت به‌مثابه مایه مشروعیت و هدف غایی نظام نوین می‌نگریستند، به‌گونه‌ای که اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت "سیاست‌گذاری در جهت تحقق عدالت اجتماعی" تأکید می‌ورزد. این جایگاه والای عدالت سبب شد تا دولت‌های پس از انقلاب، چه در دوره‌های سازندگی، اصلاحات، عدالت‌محور یا توسعه‌گرا، همواره موضوع عدالت اجتماعی را در رأس اولویت‌های خود قرار دهند و بسته به شرایط داخلی و بین‌المللی، آن را با دال‌های مرکزی متفاوتی مفصل‌بندی نمایند (خواجهرسروی، ۱۳۸۶).

در پیوند با این اهمیت نظری، پژوهشگران متعددی به تحلیل گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در عرصه‌های مختلف پرداخته‌اند. گفتمان‌شناسان با رویکرد انتقادی معتقدند که گفتمان نه صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌ها و واژگان، بلکه نظام‌های معنایی پیچیده‌ای است که چارچوب فهم و اجرای سیاست‌ها را شکل می‌دهد (لاکلاو و موفه، ۲۰۱۴). به نقل از صفری شالی، (۱۳۹۴). بر این اساس، عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی بازتعریف شده است، گفتمانی که در آن مفاهیمی چون نهضت تولید علم، جنبش نرم‌افزاری و کرسی‌های آزاداندیشی، به‌عنوان حوزه‌های پیوندی با عدالت اجتماعی مطرح شده‌اند (خرم‌شاد، ۱۳۸۱).

با اندک تأملی در متون رسمی و پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان دریافت که عدالت اجتماعی زیرچتری گسترده قرار گرفته و زیرمجموعه‌هایی همچون عدالت جنسیتی، عدالت سلامتی، عدالت آموزشی، عدالت اقتصادی و عدالت محیط‌زیستی را شامل می‌شود. برای مثال، صفری شالی (۱۳۹۴) نشان داده است که در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب، عدالت جنسیتی، حول دال‌های شناور توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و امنیت زنان مفصل‌بندی شده و هر دولت با توجه به گفتمان مسلط خویش برداشت متفاوتی از آن ارائه داده است. همچنین، در حوزه سلامت، همان نویسنده (۱۳۹۵) تبیین کرده است که سیاست‌های سلامت همواره بر اساس الگوی بیمه همگانی و ارتقای دسترسی توزیعی تعریف شده اما هزینه‌های عمده این نظام بر دوش خانوارها باقی مانده است.

در بُعد دیگری از عدالت اجتماعی، مطالعاتی مانند کردزنگنه و همکاران (۱۳۹۹) به گفتمان توسعه روستایی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، با وجود اشتراک دال‌های شناور کشاورزی و اشتغال پایدار، معنا و اولویت این دال‌ها بر اساس نحوه رویکرد از بالا-پایین یا از پایین-بالا تعیین شده است. این پژوهش‌ها حاکی از آن است که عدالت اجتماعی در روستاها، علی‌رغم تأکید بر عمران و نوسازی، با چالش‌هایی همچون اتکا به اقتصاد نفتی و افزایش مهاجرت روستایی مواجه بوده است.

علاوه بر زمینه‌های داخلی، گفتمان عدالت اجتماعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مطالعه شده است. پیشگاهی فرد و زارعی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که ایران با اتکا بر آموزه "لیقوم الناس بالقسط" سیاست خارجی خود را به‌صورت انتقادی نسبت به ساختارهای ناعادلانه بین‌المللی سامان داده است. در این نگاه، عدالت اجتماعی فراتر از مرزهای ملی تفسیر شده و در قالب حمایت از مستضعفان جهانی و مقابله با هژمونی قدرت‌های بزرگ به کار گرفته شده است. این ابعاد نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی را به سطح ساختاری و بین‌المللی نیز تعمیم داده است (آدمی و ابویسانی، ۱۳۹۵).

با این وجود، هرچند مطالعات جداگانه‌ای پیرامون ابعاد مختلف عدالت اجتماعی ارائه شده است، چند نکته قابل طرح است: نخست آنکه بیشتر پژوهش‌ها به تحلیل گفتمانی بخشی از سیاست‌ها، مانند مسکن، سلامت، جنسیت یا توسعه روستایی پرداخته‌اند، اما تحلیل یکپارچه و تلفیقی که ابعاد مختلف عدالت را در بستر گفتمان کلان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد، کم‌تر به چشم می‌خورد. دوم آنکه روش‌شناسی تحلیل مضمون-که امکان استخراج تم‌ها و نمودهای معنایی در متون گسترده سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد، در مطالعات پیشین به‌اندازه روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به کار نرفته است. سوم آنکه تغییرات گفتمانی عدالت اجتماعی در گذر دوره‌های مختلف سیاسی پس از انقلاب، از دوره دولت‌های مستضعفین تا دولت‌های عدالت‌محور و اعتدال، نیازمند بازخوانی دقیق‌تر و زمان‌مند است.

بر این مبنا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأها، کوشیده است تا ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶)، سیاست‌های عدالت اجتماعی را در اسناد برنامه‌های توسعه، سخنرانی رؤسای جمهور و قوانین و مقررات کلیدی ایران در بازه زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا، ابتدا داده‌ها در سه دسته اصلی برنامه‌های پنج‌ساله، لوایح قانونی و متون سخنرانی جمع‌آوری شد، سپس فرایند شش‌گانه تحلیل مضمون شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجوی تم‌ها، بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و تدوین گزارش نهایی اجرا گردید.

نتایج اولیه نشان می‌دهد که ابعاد عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب در سه تم پی‌جویی می‌شوند: عدالت توزیعی با تأکید بر کاهش فقر، توزیع منابع و فرصت‌های برابر، عدالت مشارکتی با محوریت تقویت نقش نهادهای مدنی، کرسی‌های آزاداندیشی و مشارکت گروه‌های اجتماعی و عدالت هنجاری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شیعی که در سیاست‌های داخلی و خارجی بازتاب می‌یابد. هر یک از این تم‌ها در دوره‌های مختلف سیاسی وزن متفاوتی یافته و به‌طور هم‌زمان مکمل و گاه متضاد یکدیگر عمل کرده‌اند.

با توجه به اهمیت نظری و کاربردی این نتایج، مقاله پیش‌رو در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه حاضر، بخش دوم به مرور ادبیات گفتمان انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی اختصاص می‌یابد و مطالعات پیشین در حوزه‌های مختلف عدالت تحلیل می‌شود. در بخش سوم روش‌شناسی مطالعه تشریح می‌شود و چارچوب نظری و مراحل تحلیل مضمون توضیح داده می‌شود. بخش چهارم یافته‌های پژوهش را در قالب سه تم اصلی ارائه می‌کند و بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازد، در این بخش ضمن تبیین تعامل تم‌ها، پیامدهای نظری و سیاستی استخراج می‌شود و محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش‌های آتی بیان می‌گردد.

در مجموع، این مقاله با ترکیب رویکرد تحلیل مضمون و گفتمان‌شناسی انتقادی می‌کوشد نمایی جامع از تحول و تنوع سیاست‌های عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ارائه دهد و چارچوبی ساختاریافته برای فهم عمق و گستره این گفتمان در عرصه سیاست‌گذاری فراهم آورد.

### مرور ادبیات

در ادبیات نظری عدالت اجتماعی، رویکردهای بنیادی متعددی تلاش کرده‌اند تعریفی جامع و فراگیر از عدالت ارائه دهند. جان راولز عدالت را به مثابه انصاف معرفی می‌کند و بر توازن میان اصل برابری فرصت‌ها و اصل تفاوت تأکید دارد (Rawls, ۱۹۷۱). این دو اصل مبنای بسیاری از سیاست‌های رفاهی در نظام‌های لیبرال غربی شده است. نانسی فریزر با انتقاد از رویکردهای صرفاً توزیعی، عدالت را مقوله‌ای سه‌بعدی می‌داند که علاوه بر توزیع منابع، باید مشارکت سیاسی و بازنشاسی هویت‌های فرهنگی را نیز شامل شود (Fraser, ۲۰۰۱). آمارتیا سن نیز با تکیه بر نظریه امکانات، نشان داد که ایجاد فرصت‌های واقعی برای تحقق توانمندی‌های انسانی لازمه دستیابی به عدالت است و فراتر از قواعد حقوقی به عملکردهای اجتماعی توجه دارد (Sen, ۲۰۰۹). این سه رویکرد، زمینه‌تئوریک غنی برای تحلیل سیاست‌های عدالت اجتماعی در هر زمینه‌ای از جمله گفتمان انقلاب اسلامی فراهم کرده است.

مفهوم گفتمان، به عنوان شبکه‌ای از معانی و قواعد تولید دیسکورس، امکان بررسی چگونگی شکل‌گیری، بازتولید و تحولات مفهومی عدالت را فراهم می‌آورد. میشل فوکو گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که امکان ظهور دانش و سخن را در یک دوره تاریخی مشخص تعیین می‌کنند (Foucault, ۱۹۷۲). نورمن فرکلاف با تمرکز بر دیسکورس انتقادی، نشان داد که گفتمان نه تنها بازتاب روابط قدرت است بلکه ابزاری برای تغییر ساختارهای اجتماعی می‌باشد. (Fairclough, ۱۹۹۲) رنستو لاکلاف و شانتال موفه مفهوم مفصل‌بندی و دال‌های شناور را معرفی کردند تا توضیح دهند چگونه هژمونی گفتمانی از طریق اتصال معناها به دال مرکزی شکل می‌گیرد و امکان بسط آن در زمینه‌های متنوع سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

(Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱). این نظریه‌ها چارچوب تحلیل گفتمانی را برای بررسی سیاست‌های عدالت در ایران پس از انقلاب مشخص می‌سازد. روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> به‌عنوان روشی نظام‌مند برای استخراج الگوهای معنادار از متون کیفی شناخته شده است. براون و کلارک مراحل شش‌گانه کدگذاری اولیه، تشخیص تم‌ها، بازبینی و تعریف تم‌ها تا تولید گزارش نهایی را تشریح کرده‌اند (Braun & Clarke, ۲۰۰۶). در کنار آن، تحلیل گفتمان انتقادی به‌منظور کاوش سازوکارهای قدرت و ایدئولوژی در اسناد رسمی و سخنرانی‌ها به کار می‌آید. ترکیب این دو رویکرد پژوهشی امکان می‌دهد هم ساختارهای قدرت در سیاست‌گذاری عدالت و هم الگوهای معنایی مشترک و متمایز میان دولت‌های مختلف شناسایی شوند. در ادبیات ایران نمونه‌هایی از این ترکیب مانند مطالعات براتعلی‌پور (۱۳۹۴) و خواجه‌سروی (۱۳۸۶) به چشم می‌خورد.

در مطالعات ایرانی، گفتمان عدالت اجتماعی در انقلاب اسلامی اسلامی با الهام از آموزه‌های شیعی بازتعریف شده است. خرم‌شاد (۱۳۸۱) در میزگردی میان اندیشه‌ورزان نشان داد که گرچه مصادیق عدالت در دوره‌های مختلف متنوع است، اما هسته‌های مفهومی عدالت شیعی در تمامی دولت‌ها تداوم یافته است. عدالت جنگی در دولت رجایی، عدالت توسعه‌محور در دولت هاشمی و عدالت مشارکتی در دولت اصلاحات نمونه‌هایی از تغییر در مصادیق هستند؛ اما همه اینها در چارچوب هژمونی گفتمانی انقلاب اسلامی بازتولید شده‌اند (خرم‌شاد، ۱۳۸۱). خواجه‌سروی نیز با تحلیل فراز و فرود گفتمان عدالت در دوره‌های متوالی پس از انقلاب، نشان داد که ساختار معنایی عدالت در ایران ترکیبی از ارزش‌های توحیدی و شیعی است که با مقتضیات هر دوره سیاسی سازگار گردیده است (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶).

براتعلی‌پور (۱۳۹۴) با رویکرد تاریخی-هرمنوتیک الگوی سیاست عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی را بررسی کرد و نتیجه گرفت که این الگو نه صرفاً لیبرالیستی و نه صرفاً سوسیالیستی، بلکه مبتنی بر فلسفه سیاسی اسلامی است که هم‌نوایی جمعی و شکوفایی فردی را به‌طور همزمان دنبال می‌کند. وی دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری عدالت را شناسایی کرد که سیاست‌های رفاهی، توزیعی و آزادی‌های فردی را در دولت‌های مختلف معنا می‌بخشد. این مطالعه نشان می‌دهد که گفتمان عدالت در قانون اساسی و سخنان امام خمینی (ره) حکمرانی می‌شود و تا کنون محور سیاست‌های کلان اجتماعی ایران قرار داشته است (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴).

رویکردهای عدالت توزیعی در سیاست‌های توسعه اقتصادی اغلب در برنامه‌های پنج‌ساله دولت‌های پس از انقلاب دیده می‌شود. کتابی (۱۴۰۰) در مطالعه تطبیقی میان شاخص‌های اقتصادی نظیر ضریب جینی، نرخ بیکاری و فقرزدایی، نشان داد که هیچ الگوی توسعه‌ای خالصی نمی‌تواند عدالت را به‌طور کامل تأمین کند و ترکیب سیاست‌های بازار آزاد و مداخله‌گرایانه به ارتقاء نسبی عدالت اجتماعی منجر شده است. بر اساس این یافته‌ها، در هر دوره، دولت‌ها با ترکیب گزینشی رویکردهای لیبرالی و سوسیالیستی، سیاست‌های توزیعی خود را برنامه‌ریزی کرده‌اند (کتابی، ۱۴۰۰). کردزنگنه و همکاران (۱۳۹۹) اما در

<sup>۱</sup> Thematic Analysis

مطالعات خود بر توسعه روستایی تأکید کردند و نشان دادند که دال مرکزی، عمران و نوسازی روستا، در اسناد رسمی حکمرانی می‌کند و دال‌های شناور کشاورزی، اشتغال پایدار و صنعت بسته به سیاست دولت معنا می‌یابند. این پژوهش بیان می‌کند که رویکرد بالاب‌پایین و اتکا به درآمد نفتی، تحقق عدالت توزیعی در روستاها را محدود ساخته است (کردزنگنه و همکاران ۱۳۹۹).

تحلیل گفتمان عدالت در بخش مسکن نیز نشان می‌دهد دولت‌های مختلف با توجه به گفتمان مسلط، دال مرکزی عدالت مسکن را بازتعریف کرده‌اند. صفری شالی (۱۴۰۲) نتیجه گرفت که برنامه‌های چهارگانه مسکن مهر، انبوه‌سازی، مقاوم‌سازی و مسکن حمایتی در دولت‌های سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرا و اعتدال هر یک تصویر متفاوتی از عدالت توزیعی ارائه کرده‌اند. وی تأکید کرد که دال شناور، عدالت در برخورداری از مسکن، در هر دوره با اولویت‌ها و ملاحظات ایدئولوژیک دولت همخوانی یافته است (صفری شالی، ۱۴۰۲). این نتایج نشان می‌دهد بدون در نظر گرفتن ابعاد سیاسی و اجتماعی، سیاست‌های توزیعی در قالب مسکن توانایی رفع نابرابری‌های عمیق را ندارند.

مبحث رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی نیز از حوزه‌های مهم تحلیل گفتمانی عدالت بوده است. اسدی‌زاهد و همکاران (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، چهار گفتمان مستضعف‌محوری، جبران کاستی‌های توسعه اقتصادی، نظام جامع رفاه و دسترسی یکسان به حمایت‌ها را در دولت‌های مستضعفین، سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور شناسایی کردند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که دال مرکزی هر گفتمان مبتنی بر اصول ایدئولوژیک دولت مربوطه بوده و بر این اساس، روند اجرای سیاست‌های رفاهی و تأمین اجتماعی دارای نوسانات چشمگیری بوده است (اسدی‌زاهد و همکاران ۱۴۰۰).

عدالت در بخش سلامت نیز نقد و بررسی شده است. صفری شالی (۱۳۹۵) نشان داد که دولت‌های پس از انقلاب با ارائه بیمه همگانی و طرح تحول نظام سلامت تلاش کرده‌اند، دسترسی برابر به خدمات درمانی، را به عنوان دال مرکزی عدالت مطرح کنند، اما بررسی هزینه‌های خانوارها حکایت از آن دارد که بسیاری از هزینه‌ها بر دوش مردم مانده است. این شکاف میان آرمان عدالت و واقعیت عملی سیاست‌ها نشان‌دهنده نیاز به بازنگری گفتمانی در حوزه سلامت است (صفری شالی، ۱۳۹۵).

عدالت مشارکتی به معنای حضور فعال شهروندان در فرآیند تصمیم‌سازی از دیگر موضوعات مورد توجه است. سیدی (۱۴۰۰) با تمرکز بر مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب نشان داد که افزایش مطالبه‌گری حقوق شهروندی و بازنشاسی هویت فردی، باعث شد دال مرکزی عدالت اجتماعی به عدالت مشارکتی تعمیم یابد و زنان به‌عنوان کنشگران اصلی در این فرآیند نقش‌آفرینی کنند (سیدی، ۱۴۰۰). علاوه بر این، زایرکعبه و همکاران (۱۳۹۶) با روش تکوینی-تاریخی، نشان دادند که زمینه‌های جامعه‌شناختی نظیر نابرابری اقتصادی و تحولات جمعیتی در کنار فشارهای بین‌المللی، بستر شکل‌گیری گفتمان مشارکتی را آماده ساختند و نهادهای مدنی در این مسیر نقش مهمی ایفا کردند (زایرکعبه و همکاران ۱۳۹۶).

عدالت جنسیتی نیز در سیاست‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. صفری شالی (۱۳۹۴) با استناد به تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، چهار شاخص، توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و عفاف و امنیت زنان را به عنوان دال‌های شناور در قالب دال مرکزی "عدالت جنسیتی" شناسایی کرد و نشان داد که برداشت هر دولت از این شاخص‌ها تحت تأثیر گفتمان کلان انقلاب اسلامی و اولویت‌های ایدئولوژیک آن دوره متغیر است (صفری شالی، ۱۳۹۴).

در حوزه سیاست خارجی نیز عدالت اجتماعی به شکلی انتقادی بازنمایی شده است. پیشگاهی فرد و زارعی (۱۳۸۹) بر این باورند که جمهوری اسلامی با تکیه بر آموزه، لایق‌الناس بالقسط، سیاست خارجی خود را علیه هژمونی قدرت‌های بزرگ سازماندهی کرده و حمایت از مستضعفان جهانی را به عنوان دال مرکزی عدالت اجتماعی در عرصه بین‌الملل مطرح ساخته است (پیشگاهی فرد و زارعی، ۱۳۸۹). دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶) در بررسی اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد نیز نشان داد که دال‌های، اسلامیت و ایرانیت همراه با یاری مستضعفان، ساختار مفهومی سیاست خارجی را شکل داده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶).

با وجود تنوع گسترده در ادبیات نظری و موارد کاربردی در ایران، چند نکته محوری نیاز به پژوهش‌های آتی را نشان می‌دهد. نخست آنکه اغلب مطالعات موجود به تحلیل ابعاد منفرد عدالت اجتماعی پرداخته‌اند و نیاز به یک مطالعه یکپارچه با استفاده از روش تحلیل مضمون برای استخراج تم‌های مشترک و متمایز میان دولت‌ها احساس می‌شود. دوم آنکه بیشتر تحقیقات بر متون رسمی متمرکز بوده و تأثیر عملکرد عملی سیاست‌ها بر شاخص‌های عینی عدالت (مانند فقر، بیکاری و دسترسی به خدمات) کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. سوم آنکه نقش نهادهای مدنی، رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مردمی در بازتولید و تحول گفتمان عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب هنوز مغفول مانده است. سرانجام، تغییرات در دال‌های مرکزی و دال‌های شناور عدالت اجتماعی در پاسخ به تحولات بین‌المللی و بحران‌های اقتصادی نیازمند تحلیل تطبیقی ویژه است. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی و روش‌شناسی تحلیل مضمون در پی آن است تا با رویکردی جامع و ترکیبی، نقشه‌ای مفهومی و تطبیقی از گفتمان سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ارائه نموده و خلأهای پژوهشی موجود را پر نماید.

### روش‌شناسی

این مطالعه مروری با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون<sup>۲</sup> طراحی شد تا لایه‌های گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب

<sup>۲</sup> Thematic Analysis

اسلامی بازشناسی و تبیین شود. چارچوب کلی پژوهش بر پایه مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) استوار گردید که امکان کدگذاری سیستماتیک و استخراج تم‌های معناشناختی را فراهم می‌آورد.

برای گردآوری داده‌ها، ابتدا با تعریف واژگان کلیدی "عدالت اجتماعی"، "سیاست‌های رفاهی"، "توسعه اقتصادی-اجتماعی" و "گفتمان انقلاب اسلامی" جست‌وجو در پایگاه SID و آرشیو اسناد رسمی دولت ایران (سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۵۸) انجام شد. از میان بیش از ۷۰ سند شناسایی شده، ۲۳ سند شامل سخنرانی رؤسای جمهور، لوایح قانونی و شش برنامه پنج‌ساله توسعه که مستقیماً به ابعاد توزیعی، مشارکتی یا هنجاری عدالت اجتماعی اشاره داشتند، براساس معیارهای ورود و خروج نهایی شدند. متون صرفاً تاریخی، فلسفی یا فاقد بار سیاست‌گذاری حذف گردیدند.

متن کامل اسناد انتخابی پس از پاک‌سازی و یکپارچه‌سازی<sup>۲</sup> در نرم‌افزار مدیریت مراجع EndNote وارد و شماره‌گذاری شد تا ردیابی ارجاعات و فرایند کدگذاری امکان‌پذیر باشد. دو پژوهشگر به‌طور مستقل مرحله کدگذاری باز<sup>۳</sup> را انجام دادند و گزاره‌های مرتبط با عدالت اجتماعی را شناسایی کردند. سپس با استفاده از جلسات مشترک نقد و بازبینی، کدها به‌صورت تفانده<sup>۴</sup> دسته‌بندی و در قالب تم‌های بالقوه سامان‌دهی شدند. در مرحله بعد، بازبینی تم‌ها بر مبنای انسجام درون‌تم<sup>۵</sup> و افتراق میان تمی<sup>۶</sup> انجام شد تا تضمین گردد تم‌های نهایی دقیقاً نمایانگر مفاهیم گفتمانی مورد نظر باشند (Braun & Clarke, ۲۰۰۶).

برای ارتقای روایی و پایایی، از سه اقدام کلیدی بهره گرفته شد: نخست، تثبیت مستقل فرایند تحلیل<sup>۸</sup> که شامل ثبت دقیق تصمیم‌های تحلیلی در دفترچه یادداشت پژوهشی بود، دوم، بازبینی همتا<sup>۹</sup> در فواصل معین با حضور دو متخصص روش‌شناسی و سوم، آزمون توافق بین‌پژوهشگران<sup>۱۰</sup> با مبادله تصادفی بخش‌هایی از داده‌ها و محاسبه ضریب تطابق. علاوه بر این، نگاه انعکاسی<sup>۱۱</sup> پژوهشگران در قالب یادداشت‌های میدانی ثبت شد تا پیش‌فرض‌های فردی بر تحلیل تأثیر نامطلوب نگذارد. (Nowell et al., ۲۰۱۷).

در نهایت، یافته‌ها با ساختاری سه‌وجهی (عدالت توزیعی، مشارکتی و هنجاری) سازمان‌دهی و در قالب گزارش نهایی ارائه شد. این ساختار امکان تبیین همپوشانی و گسست‌های گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دوره‌های مختلف حاکمیت پس از انقلاب را به‌خوبی فراهم ساخته و چشم‌اندازی منسجم از تحولات و تداوم‌های گفتمانی ارائه می‌کند.

#### یافته‌ها

یافته‌های این مطالعه مروری با روش تحلیل مضمون نشان می‌دهد که سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران از سه جهت اصلی عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری متبلور شده و هر یک از این سه بعد با عناصر و مصادیق ویژه‌ای در گفتمان کلان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی گردیده است. در مواجهه با داده‌های استخراج‌شده از برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سخنرانی‌های رؤسای جمهور و متون سیاست‌گذاری، سه مضمون محوری پدیدار شد که به‌رغم تفاوت‌های کاربردی در دوره‌های مختلف اجرایی، یک ساختار معنایی واحد را در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهند.

**در مضمون نخست، عدالت توزیعی** به‌عنوان شاخصه‌ای بنیادین در گفتمان سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها تعریف شده است. این عدالت متوجه توزیع منابع و فرصت‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای است و تمایل دارد فاصله‌های طبقاتی و نابرابری‌های مکانی را کاهش دهد. در دولت سازندگی، برنامه‌های انبوه‌سازی مسکن و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی نمونه‌ای آشکار از تأکید بر عدالت توزیعی بودند که با هدف دسترسی اقشار کم‌درآمد به مسکن ارزان قیمت طراحی شدند (کردزنگنه، وحیدا و مهاجرانی، ۱۳۹۹). در این دوره، انبوه‌سازی مسکن، طرح مقاوم‌سازی و بهینه‌سازی مسکن و مسکن مهر به‌عنوان دال‌های شناور در گفتمان عدالت اجتماعی مطرح شدند و نشان دادند که دولت سازندگی گفتمان عدالت را در قالب فراهم‌سازی حداقل امکانات زیستی دنبال می‌کرد. سپس دولت اصلاحات با تأکید بر اصل ۲۹ قانون اساسی، ساختار رفاهی را به‌گونه‌ای بازطراحی کرد که دسترسی همگانی به خدمات تأمین اجتماعی و بیمه‌های همگانی تسهیل گردد (صفری شالی، ۱۳۹۵). در این دوره، عدالت توزیعی با نشانه‌هایی چون بیمه همگانی و دسترسی برابر به خدمات سلامت، تبیین شد و سیاست‌های منابع مالی به سمت پوشش دهک‌های پایین متوسط سوق یافت. نهایتاً در دولت عدالت‌محور، عدالت توزیعی تحت عنوان "عدالت توزیعی مضاعف" بازتعریف گردید، به‌طوری که علاوه بر توزیع منابع، اولویت خدمت‌رسانی به مناطق محروم و بازتوزیع درآمدهای نفتی مدنظر قرار گرفت (برائعلی‌پور، ۱۳۹۴). این بازتعریف سبب گسست نسبی در تداوم سیاست‌های رفاهی پیشین شد، اما همزمان عمق بخشی عدالت توزیعی در گروه‌های هدف را افزایش داد.

<sup>۱</sup> Normalization

<sup>۲</sup> Open Coding

<sup>۳</sup> Axial Coding

<sup>۴</sup> Internal Homogeneity

<sup>۵</sup> External Heterogeneity

<sup>۶</sup> Audit Trail

<sup>۷</sup> Peer Review

<sup>۸</sup> Inter-coder Reliability

<sup>۹</sup> Reflexivity

**مضمون دوم، عدالت مشارکتی** است که به حضور فعال جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها اشاره دارد. این بُعد از گفتمان عدالت اجتماعی به مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در طراحی و ارزیابی سیاست‌ها تأکید می‌کند. در دولت‌سازندگی، نهادسازی مردمی و ایجاد شوراهای مشارکتی محلی ظهور یافت، اما میزان نفوذ واقعی این نهادها در سیاستگذاری محدود بود (خرم‌شاد، ۱۳۸۱). با این حال، این تجربه نشان داد که گفتمان انقلاب اسلامی ظرفیت گسترش حمایت از شکل‌گیری نهادهای مردمی را داراست. سپس در دولت اصلاحات، گسترش حقوق شهروندی و تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های غیردولتی زنان و جوانان، بُعد عدالت مشارکتی را پررنگ ساخت (سیدی، ۱۴۰۰). موضوعاتی مانند بازخوانی نقش دانشگاه‌های آزاد در ترویج گفتمان، آزاداندیشی و کرسی‌های آزاداندیشی، نیز هم‌زمان با تلاش برای ارتقاء مشارکت علمی و فرهنگی، نمود عدالت مشارکتی در حوزه علمی-فرهنگی بود (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). در دولت عدالت‌محور، رویکرد به مشارکت جمعی به مشارکت اجتماعی اقشار محروم معطوف شد و طرح‌های مشورتی مبتنی بر اعطای مسئولیت بیشتر به گروه‌های حاشیه‌ای در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی اجرایی گردید (خواججه‌سروی، ۱۳۸۶). این تجربه‌ها نشان می‌دهد که هر دولتی بسته به گفتمان مسلط خود، عناصر مشارکتی را به‌گونه‌ای مفصل‌بندی کرده که گویای اولویت‌های دوره‌ای در ترویج عدالت اجتماعی باشد.

**مضمون سوم، عدالت هنجاری** است که به مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و اصولی اشاره دارد که سیاست‌های عدالت اجتماعی بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرند. این بعد بیشتر در سطح نظری و ایدئولوژیک قابل مشاهده است و مطابق دستورالعمل‌های قانون اساسی و بیانات رهبران نظام معنا می‌یابد. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عدالت هنجاری در قالب، انتقاد از نظم بین‌الملل ناعادلانه و دفاع از مردم مستضعف جهان تبلور یافته است (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). در این گفتمان، حق حاکمیت ملی و مقابله با سلطه‌گری به‌عنوان دو شاخص کلیدی عدالت هنجاری تعریف شده‌اند. همچنین در دولت احمدی‌نژاد، اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی بیانگر تمایل دولت به بازتعریف هنجارهای عدالت بر اساس اسلامیت و ایرانیت بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). این جهت از گفتمان عدالت اجتماعی نشان می‌دهد که سیاست‌های داخلی و خارجی در یک منظومه معنایی واحد قرار دارند و عدالت هنجاری به‌عنوان پشتوانه نظری تمامی سیاست‌های توزیعی و مشارکتی عمل می‌کند.

فراتر از این سه مضمون محوری، در تحلیل داده‌ها چند نکته فرعی نیز برجسته گردید. نخست، عدالت جنسیتی به‌عنوان مصداقی خاص از عدالت اجتماعی در اسناد توسعه پنج‌ساله و لوایح برنامه‌ها مورد توجه بوده است. صفری شالی نشان داد که در دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور، عدالت جنسیتی در قالب دال‌های، توانمندسازی زنان، اشتغال زنان، حجاب و عفاف و امنیت زنان مفصل‌بندی شده است و هر دولت با اولویت‌بندی متفاوتی به این دال‌ها توجه کرده است (صفری شالی، ۱۳۹۴). دوم، عدالت در حوزه سلامت به‌ویژه در برنامه‌های توسعه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که علی‌رغم وجود نشانه‌های گفتمانی برای عدالت درمانی، از فشار هزینه‌ها بر خانوارها کاسته نشده است و نظام بیمه‌های درمانی با چالش‌های عدالتی مواجه بوده است (صفری شالی، ۱۳۹۵). سوم، عدالت در توسعه روستایی نیز با تأکید بر عمران و نوسازی روستا و اشتغال پایدار مورد مطالعه قرار گرفت و نشان داده شد که اولویت‌بندی منابع در این حوزه همواره از بالا به پایین بوده و عملاً بسیاری از سیاست‌ها به منافع کوتاه‌مدت اقتصادی توجه داشته‌اند تا عدالت بلندمدت ساختاری (کردزنگنه، وحید و مهاجرانی، ۱۳۹۹).

در کنار این مصداق فرعی، روند کلی تحول گفتمان عدالت اجتماعی در طول چهار دهه پس از انقلاب، حکایت از تلفیقی از ثبات و تغییر دارد. بنیان‌های نظری و هنجاری گفتمان انقلاب اسلامی همچنان بر آموزه‌های شیعی و قانون اساسی متکی‌اند و تغییرات عمدتاً در سطح اولویت‌های اجرایی و مصداق عینی عدالت رخ داده است (خواججه‌سروی، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، سه محور، عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری به‌عنوان ساختار اصلی گفتمان عدالت اجتماعی ثابت باقی مانده‌اند، اما محورها و نشانه‌های شناور متناسب با الزامات دوره‌ای دولت‌ها دچار بازتعریف و تنظیم مجدد شده‌اند.

نهایتاً، یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که گفتمان عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی دارای ظرفیت تلفیق نظریه و عمل است؛ به‌گونه‌ای که بعدها پژوهشگران توانستند با ترکیب ابعاد توزیعی و مشارکتی، مدل‌های مفهومی نوینی از عدالت ارائه دهند که ضمن حفظ هنجارهای بنیادین، پاسخ‌گوی نیازهای عینی جامعه نیز باشند (کتابی، ۱۴۰۰). این ظرفیت می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های جامع‌نگر باشد که هم‌زمان به توزیع عادلانه منابع، مشارکت فعال مردم و مقبولیت هنجاری دست یابند. چنین نتیجه‌ای اهمیت بازشناسی تم‌های گفتمانی عدالت را برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران سیاسی-اجتماعی نشان می‌دهد؛ چرا که بدون درک سلسله‌مراتب مفهومی و نشانه‌های گفتمان، احتمال اختلال در تولید سیاست‌های هم‌افزا کاهش می‌یابد و مشکلاتی مانند گسست بین برنامه‌های رفاهی و نتایج عینی عدالت اجتماعی ادامه خواهد یافت. در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده تأیید می‌کند که تحلیل مضمون در کنار روش‌های گفتمان‌شناختی می‌تواند چارچوب منسجمی برای تبیین تحولات سیاست‌های عدالت اجتماعی فراهم آورد و با شفاف‌سازی مضمون‌های مرکزی و نشانه‌های شناور، مسیر بازطراحی رویکردهای سیاستگذاری عادلانه‌تر را هموار نماید.

## بحث

بحث پژوهش حاضر با تأکید بر تحلیل مضمون گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که گفتمان عدالت در ایران، همگرایی و واگرایی پیچیده‌ای از ابعاد توزیعی، مشارکتی و هنجاری را دربر می‌گیرد. نخست آنکه عدالت توزیعی همواره یکی از وجوه برجسته‌ی سیاست‌گذاری‌ها بوده است؛ برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بارها بر کاهش شکاف طبقاتی و توزیع منابع متمرکز شدند (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴، کردزنگنه و همکاران، ۱۳۹۹). با این حال، چالش‌های ساختاری مانند وابستگی به درآمد نفتی و مدیریت متمرکز منابع به‌نحوی است که توانمندی اجرای کامل عدالت توزیعی را محدود کرده است. در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، تمهیدات کالبدی مانند مسکن مهر یا طرح‌های عمران روستایی به‌عنوان نمادهای عدالت توزیعی برجسته شدند، ولی انتقال واقعی ارزش‌ها و امکانات به اقشار محروم همواره با موانع نهادی مواجه بود (کردزنگنه، وحید و مهاجرانی، ۱۳۹۹، خواججه‌سروی، ۱۳۸۶).

در سیر تطور گفتمانی، عدالت مشارکتی به‌تدریج جایگاهی ویژه یافت، گفتمان انقلاب اسلامی بر اصل "مردم‌سالاری دینی" تأکید داشته و نهادسازی‌های مردمی در دوره‌های مختلف، از شوراهای حل اختلاف تا کرسی‌های آزاداندیشی، تداوم یافته‌اند (سیدی، ۱۴۰۰). مشارکت زنان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری و روستایی نیز به‌عنوان مصداق بارز عدالت مشارکتی مطرح شد و مطالعات نشان می‌دهد که دولت‌های اصلاحات و عدالت‌محور تلاش کردند با اعطای فرصت‌های برابر آموزشی و شغلی، از نقش زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری بهره‌گیرند (سیدی، صفری شالی، ۱۳۹۴). با این وجود، دامنه‌ی

این مشارکت وابسته به مقتضیات ایدئولوژیک و ساختارهای سیاسی هر دوره بود و هرگونه گشایش در عرصه مشارکت، نیازمند وفاق گفتمانی درباره‌ی جایگاه حقوق مدنی و سیاسی زنان تلقی می‌شد.

جنبه‌ی هنجاری عدالت، یعنی بازتعریف مفاهیم بنیادین عدالت در چارچوب ارزش‌های اسلامی-شیعی، نیز در سیاست‌های داخلی و خارجی عینیت یافته است. در گفتمان داخلی، مباحثی چون عدالت جنگی در دوران دفاع مقدس و عدالت توسعه‌ای در دولت هاشمی رفسنجانی، با ارجاع به آموزه‌های امام(ره) و سیاست‌های قانون اساسی بازتولید شدند (خواجهمسروی، ۱۳۸۶). در عرصه خارجی، جمهوری اسلامی با استناد به اصل "لیقوم الناس بالقسط"، سیاست‌های انتقادی خود نسبت به نظم بین‌الملل را توجیه کرد و این نوع عدالت هنجاری را به حمایت از مستضعفان جهانی و نقد سازمان‌های بین‌المللی معطوف ساخت (پیشگاهی فرد و زارعی، ۱۳۸۹). این رویکرد هنجاری نشان داد که عدالت اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی، صرفاً محدود به توزیع مادی نیست، بلکه مفهومی فراگیر است که پیوند میان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی را دربر می‌گیرد.

علاوه بر سه وجه کلیدی فوق، عدالت ساختاری به‌عنوان بخشی از گفتمان عدالت جهانی و مقابله با خشونت نهادی مورد توجه قرار گرفت. آدمی و ابویسانی (۱۳۹۵) با تأکید بر بعد ساختاری، نشان دادند که گفتمان انقلاب اسلامی خواستار بازسازی نظام‌های بین‌المللی به‌سوی صلح و مساوات است. این گفتمان ساختاری عدالت، فراتر از سیاست‌های داخلی، قواعد جهانی حاکم بر قدرت و توزیع منابع را هدف قرار داد و بر لزوم تنظیم نهادی فراملی برای تأمین حقوق بشر و حمایت از کشورهای محروم تأکید کرد (آدمی و ابویسانی، ۱۳۹۵).

از منظر تطور تاریخی، می‌توان روند تحولی گفتمان عدالت را در سه دوره متمایز بررسی کرد. دوره‌ی اول (۱۳۶۸-۱۳۵۸) با اولویت دادن به عدالت بسیجی و جنگی، تضمین معیشت رزمندگان و خانواده‌ی شهدا را در اولویت قرار داد. دوره‌ی دوم (۱۳۷۶-۱۳۶۸) با محور توسعه اقتصادی و اجتماعی، به عدالت توزیعی گسترده‌تر و عمران روستایی روی آورد (کردزنگنه و همکاران، ۱۳۹۹). دوره‌ی سوم (۱۳۸۸-۱۳۷۶) با گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی، عدالت مشارکتی و حقوق شهروندی برجسته شد (سیدی، ۱۴۰۰، صفری شالی، ۱۳۹۴). در نهایت، دوره‌ی چهارم و پنجم (۱۴۰۲-۱۳۸۸) با تأکید بر عدالت محوری و بازتعریف هنجاری، شکلی اصول‌گرایانه به خود گرفت که بر استقلال سیاسی و اخلاقی کشور و حمایت از مستضعفان داخلی و خارجی تأکید می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸-۱۳۸۶).

تحلیل مضمون داده‌ها مؤید این است که سیر تغییرات گفتمانی عدالت اجتماعی در ایران، نه صرفاً پاسخی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی، بلکه بازتابی از چالش‌های هویتی و ایدئولوژیک نیز بوده است. هر دولت در مواجهه با مسائل معیشتی، بهداشت، مسکن و اشتغال، تلاش کرده تا سرشتی از عدالت را بنمایاند که با گفتمان کلان انقلاب هم‌خوانی داشته باشد؛ اما شکنندگی ساختاری نهادها و وابستگی به منابع دولتی، امکان تحقق کامل عدالت را محدود می‌کرد (صفری شالی، ۱۳۹۵، براتعلی پور، ۱۳۹۴).

در حوزه مسکن و تأمین مسکن اجتماعی، دولت‌های سازندگی و عدالت‌محور با پروژه‌هایی چون مسکن مهر و مسکن اجتماعی-حمایتی، سعی کردند عدالت توزیعی را در این قلمرو به پیش ببرند، اما نقدهایی مبنی بر تمرکز بیش از حد بر کالبد و کم‌توجهی به کیفیت زیست اجتماعی مطرح شد (کردزنگنه و همکاران، ۱۳۹۵). این امر نشان می‌دهد که عدالت توزیعی نیازمند رویکردی جامع است که مصالح فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر گیرد. نکته‌ی دیگر آنکه عدالت جنسیتی به‌عنوان زیرمجموعه‌ی عدالت اجتماعی، آزمونی مهم برای گفتمان انقلاب بود. مطالعات نشان می‌دهند که هرچند در قانون اساسی اصل مساوات جنسیتی پذیرفته شده است، اما در برنامه‌های توسعه، تأکید بر هنجارهای فرهنگی مانند حجاب و امنیت زنان گاه با محدودیت‌های مشارکتی همراه شد (صفری شالی، ۱۳۹۴). این تناقض، بازتاب کشمکش میان ارزش‌های اسلامی سنت‌محور و مطالبات مدرن جنسیتی است که در متن گفتمانی انقلاب اسلامی نمود می‌یابد.

در بخش بهداشت و رفاه اجتماعی نیز، گفتمان عدالت نشان داد که نگاه غالب بر تأمین خدمات درمانی و بیمه همگانی است، اما مطالعات نشان می‌دهد که سهم خانوارها از هزینه‌های سلامت بالا باقی ماند و عدالت توزیعی در این حوزه با ناکامی‌هایی همراه بود (صفری شالی، ۱۳۹۵). این وضعیت، ضرورت تقویت نهادهای بیمه‌ای و بازتعریف نقش دولت در سیاست‌های رفاهی را مطرح می‌سازد.

در نهایت، نتایج این بررسی مروری، ضرورت تلفیق سه وجه توزیعی، مشارکتی و هنجاری را روشن می‌سازد. گفتمان عدالت اجتماعی در ایران، قابلیت تولید راهبردهای سیاستی یکپارچه را دارد؛ به شرط آنکه نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری در طراحی برنامه‌های توسعه، بر هم‌افزایی ابعاد مختلف عدالت تأکید کنند و از رویکردهای جزیره‌ای پرهیز نمایند (زایرکعبه و همکاران، ۱۳۹۶). این تلفیق می‌تواند هم عدالت اقتصادی را تأمین نماید، هم مشارکت اجتماعی را گسترش دهد و هم اعتبار هنجاری سیاست‌ها را ارتقا بخشد.

به‌طور کلی، گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، فرآیندی چندوجهی و پویانمایی است که از هم‌افزایی آموزه‌های اسلامی و مطالبات مدرن شکل گرفته و در هر دوره، با توجه به مقتضیات داخلی و بین‌المللی، تأکیدات متفاوتی یافته است. این گفتمان، اگرچه با محدودیت‌های نهادی و ساختاری روبروست، اما ظرفیت بالایی برای بازتعریف سیاست‌های اجتماعی در جهت تأمین عدالت همه‌جانبه دارد؛ مشروط بر آنکه تحلیل‌های گفتمانی مستمری درباره‌ی ابعاد مختلف عدالت صورت گیرد و مبانی نظری سیاست‌ها بر مبنای مضمون‌های کلان استخراج‌شده نگاشته شود.

### نتیجه‌گیری

در پرتو تحلیل مضمون داده‌های استخراج‌شده از متون سیاست‌گذاری دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، می‌توان نقشه‌ای سه‌وجهی از گفتمان عدالت

اجتماعی در جمهوری اسلامی ترسیم کرد که هر یک از ابعاد عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری نقش مکمل در تحقق مطالبات عدالت‌محور جامعه دارند و در عین حال گاه با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند. عدالت توزیعی بر مبنای دسترسی عادلانه به منابع مادی و خدمات پایه (مسکن، سلامت، تأمین اجتماعی و توسعه زیرساخت‌های روستایی) بنا شده و عمدتاً در قالب برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، سیاست‌های انبوه‌سازی مسکن و گسترش بیمه‌های همگانی تبلور یافته است. عدالت مشارکتی، با تمرکز بر حضور فعال آحاد مردم، به‌ویژه زنان، دانشجویان و اقشار آسیب‌پذیر در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارت بر اجرایی‌سازی برنامه‌ها، ظرفیت‌های نهادسازی مردمی و گسترش حقوق شهروندی را ارتقاء داده است. عدالت هنجاری نیز مؤلفه‌های بنیادین گفتگمانی مانند مبانی اسلامی، نگرش انتقادی به نظم بین‌الملل و آرمان‌های انقلابی را به‌مثابه چارچوبی نظری در پس تمامی سیاست‌ها مورد تأکید قرار داده است.

پیوند میان این سه وجه گفتگمانی نشان می‌دهد که سیاست‌های عادلانه در جمهوری اسلامی نمی‌توانند صرفاً بر یکی از ابعاد تمرکز کنند؛ بلکه لازم است در طراحی راهبردها و برنامه‌های اجرایی، همزمان به توزیع منابع، مشارکت فعال مردم و مبانی ارزشی و هنجاری توجه شود. در غیر این صورت، خطر گسست گفتگمانی، جایی که دولت‌ها تنها به یک جنبه از عدالت بپردازند، وجود دارد و این امر موجب می‌شود سیاست‌ها از انسجام لازم برخوردار نباشند و دستاوردهای ملموس عدالت اجتماعی در سطح جامعه کاهش یابد.

نگاهی تطبیقی به دوره‌های مختلف حکمرانی نشان می‌دهد که هرچند اولویت‌های اجرایی در بازه‌های زمانی متفاوت تغییر یافته است، اما هسته مشترک گفتمان عدالت اجتماعی در قانون اساسی و آموزه‌های انقلاب اسلامی ثابت مانده و دولت‌ها در تلاش بوده‌اند این هسته را در قالب مصادیق مختلف متناسب با شرایط زمانی تبیین کنند. از این منظر، گفتمان عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها در خدمت پاسخ به نیازهای عینی مردم قرار گرفته، بلکه همواره از پشتوانه نظری و هنجاری مستحکمی برخوردار بوده است.

با این همه، تحلیل مضمون حاضر نشان داد که تا کنون کمتر پژوهشی به‌طور نظام‌مند رابطه میان تم‌های گفتگمانی عدالت و نتایج عینی اقتصادی و اجتماعی را بررسی کرده است. بنابراین، برای ارتقاء فهم از تأثیرات واقعی سیاست‌های عدالت اجتماعی، می‌بایست در پژوهش‌های آینده، برون‌داده‌های هر یک از تم‌های شناسایی شده (مثلاً تغییرات شاخص فقر مطلق، میزان نابرابری طبقاتی بر پایه ضریب جینی، نرخ مشارکت سیاسی-اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای) تحلیل و با تبیین گفتگمانی پیوند داده شوند. چنین رویکردی می‌تواند امکان سنجش اثربخشی گفتمان عدالت را در ابعاد مختلف فراهم ساخته و به سیاست‌گذاران امکان دهد سیاست‌هایی هم‌افزاتر و هماهنگ‌تر را طراحی کنند.

#### • کاربردهای سیاستی

با توجه به نتایج فوق، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به تدوین راهبرد تلفیقی عدالت‌تروی آورند، بدین معنا که سیاست‌های توزیعی (نظیر توزیع درآمد و امکانات)، مشارکتی (گسترش نهادهای مدنی و ارتقاء حقوق شهروندی) و هنجاری (تضمین هم‌سویی برنامه‌ها با اصول قانون اساسی و ارزش‌های اسلامی) در چارچوبی واحد طراحی و اجرا شوند. این راهبرد مستلزم ایجاد سازوکارهای هماهنگی بین‌دستگاهی از جمله وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، علوم، تحقیقات و فناوری، و نهادهای فرهنگی است تا از تمرکززدایی و پراکندگی وظایف جلوگیری شود و از ظرفیت تمامی بازیگران اجتماعی بهره‌گیری شود.

یکی از راهکارهای عملیاتی برای تحقق این راهبرد، ایجاد سامانه یکپارچه عدالت اجتماعی است که امکان رصد مستمر شاخص‌های عدالت توزیعی (فقر، ضریب جینی، شاخص دسترسی به خدمات عمومی) و عدالت مشارکتی (میزان مشارکت در شوراها و NGOها، درصد مشارکت زنان و جوانان در تصمیم‌سازی‌ها) را فراهم آورد. افزون بر این، بهره‌گیری از شاخص‌های هنجاری مانند پایش انطباق سیاست‌ها با اصول قانون اساسی و بیانیه‌های رهبری می‌تواند ابعاد ارزشی عدالت را نیز در ارزیابی عملکرد دولت‌ها لحاظ کند. دسترسی عمومی به نتایج این سامانه، نه‌تنها شفافیت و پاسخگویی را ارتقاء می‌دهد، بلکه زمینه‌ی تعامل سازنده میان دولت و جامعه مدنی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در تدوین برنامه‌های آتی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقشه راه عدالت‌بنیان تهیه شود که در آن اهداف کلان عدالت توزیعی، مشارکتی و هنجاری با استانداردهای کمی و کیفی مشخص، بازه‌های زمانی و مسئولیت دستگاه‌های اجرایی تعریف شده باشد. این نقشه راه باید بر اساس تحلیل داده‌های میدانی و اسنادی طراحی شود و بازنگری آن بر پایه گزارش‌های دوره‌ای با مشارکت نخبگان علمی، نمایندگان گروه‌های اجتماعی و کارشناسان سیاست‌گذاری انجام گیرد. چنین سازوکاری می‌تواند از اجرای برنامه‌های بخشی و جزیره‌ای جلوگیری نماید و دستاوردهای عدالت اجتماعی را به‌صورت مستمر پایش کند.

#### • محدودیت‌ها

نخست آنکه این مطالعه به متون رسمی و اسناد منتشرشده دسترسی داشته و امکان بررسی کامل اسناد داخلی، جلسات پنهانی و مذاکرات کارشناسی نهادهای دولتی وجود نداشته است. از این رو، برخی ابعاد اعمالی و تصمیم‌سازی‌های پشت‌پرده ممکن است در تحلیل مضمون کنونی مغفول مانده باشد.

دسترسی محدود به داده‌های کمی دقیق مانند گزارش‌های تفصیلی هزینه‌کرد برنامه‌ها یا مطالعات میدانی تفکیکی هر قشر اجتماعی از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است.

دوم آنکه تمرکز بر متون رسمی و سخنرانی‌های رؤسای جمهور و اسناد رسمی موجب شده است دیدگاه‌های میدانی فعالان غیردولتی، کارشناسان بخش خصوصی و اقشار حاشیه‌ای به‌طور کامل منعکس نشود. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمقی با نمایندگان NGOها، تحلیل گفتمانی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مستقل و روش‌های میدانی کیفیتی، ابعاد متنوع‌تری از گفتمان عدالت اجتماعی بررسی گردد. این تکمیل روش‌شناختی می‌تواند به غنای بیشتر تحلیل‌ها و افزایش اعتبار نتایج کمک نماید.

گزاره‌های استخراج‌شده و کدهای اولیه

ردیف	مفهوم کد	کد اولیه	جملات منتخب	رفرنس
۱	هم‌آفرینی جمع و فرد در سیاست عدالت	تلفیق فلسفه سیاسی و شریعت	الگوپردازی سیاست عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این سیاست نه صرفاً لیبرالیستی و نه صرفاً سوسیالیستی بوده، بلکه از فلسفه سیاسی اسلامی نشأت گرفته و هم‌نوایی جمعی و شکوفایی فردی را به‌طور هم‌زمان دنبال می‌کند. این ترکیب دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری، چارچوبی یگانه برای تنظیم سیاست‌های رفاهی، توزیعی و آزادی‌های فردی فراهم آورده است.	براتعلی‌پور (۱۳۹۴)
۲	دوگانگی مبنایی در چارچوب عدالت	تمایز روایت هستی‌شناختی و هنجاری	در این مطالعه دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری شناسایی شده که سیاست‌های عدالت را تعیین می‌کنند، روایت هستی‌شناختی بر مبنای ساختارهای اجتماعی و روایت هنجاری بر پایه اصول اسلامی-انقلابی. این دو روایت گاه موازی و گاه متقابل عمل کرده و نحوه اجرای سیاست‌ها را در دوره‌های مختلف رقم زده‌اند.	براتعلی‌پور (۱۳۹۴)
۳	تعادل در هدف‌های فردمحور و جمع‌محور	نوسان تمرکز بر فرد و جمع	گزاره‌های تحلیلی نشان داده است که محوریت شکوفایی فردی در برخی دوره‌ها منجر به اولویت‌دهی به آموزش و ارتقای توانمندی‌های انسانی شد، در حالی که هم‌نوایی جمعی در متن سیاست‌های رفاهی و توزیع منابع مشهود بود. این نوسان بین دو محور، ثبات هسته نظری را حفظ و تنوع مصادیق را نیز تضمین کرده است.	براتعلی‌پور (۱۳۹۴)
۴	چالش‌های اجرایی در مواجهه با نقل هنجاری	اولویت هنجار بر هستی‌شناسی	نویسندگان با تحلیل اسنادی نتیجه می‌گیرند که هم‌راستایی مداوم با قانون اساسی و آموزه‌های امام(ره)، پشتوانه هنجاری سیاست‌ها را تقویت کرده اما گاه در اجرا با چالش‌های نهادی مواجه بوده است، به‌ویژه زمانی که روایت هنجاری بر روایت هستی‌شناختی غلبه یافته است.	براتعلی‌پور (۱۳۹۴)
۵	پیوند گفتمان با شاخص‌های عینی	نیاز به سنجش کمی آثار گفتمان	این پژوهش توصیه می‌کند برای آینده، علاوه بر نگاشت تم‌های گفتمانی، ارتباط آن‌ها با نتایج عینی عدالت نظیر کاهش ضریب جینی و فقر سنجیده شود تا سیاست‌ها بر پایه شواهد کمی نیز تقویت گردند.	براتعلی‌پور (۱۳۹۴)
	تغییر اولویت‌های جنسیتی در سیاست‌های توسعه	بازتعریف متغیر عدالت جنسیتی	تحلیل لویایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و عفاف و امنیت زنان به‌عنوان چهار رکن عدالت جنسیتی در هر دوره با تأکید متفاوت بازتعریف شده‌اند. برای مثال، در سال‌های اولیه، محوریت بر حجاب و امنیت زنان بود اما در دوره‌های بعد بر فرصت‌های شغلی و توانمندسازی اقتصادی تمرکز شد.	صفری‌شالی (۱۳۹۴)
۶	حرکت از فرهنگی به اقتصادی در عدالت جنسیتی	توانمندسازی اقتصادی زنان	جملات منتخب از لایحه سوم توسعه: وعده ی اشتغال مولد برای زنان سرپرست خانوار، گامی مهم در جهت توانمندسازی اقتصادی آنهاست... این تأکید نشان‌دهنده آن است که گفتمان جنسیتی از بُعد فرهنگی عبور کرده و به ابعاد اقتصادی-اجتماعی نیز رسیده است.	صفری‌شالی (۱۳۹۴)

۷	دسته بندی دال های فرهنگی و اقتصادی	تقابل ارزش و فرصت درگفتمان جنسیتی	بررسی گفتمان نشان می دهد که مفاهیم حجاب و عفاف، در لوایح توسعه، گاه به عنوان ضامن امنیت اجتماعی زنان و گاه به عنوان مانع مشارکت اقتصادی آنها قلمداد می شده است، تناقضی که سیاستگذاران برای رفع آن به تعادل میان ارزش و فرصت روی آورده اند.	صفری شالی (۱۳۹۴)
۸	نقش رسانه در جهت دهی گفتمان	تغییر بستر رسانه های در گفتمان جنسیتی	داده های مصاحبه با کارشناسان نشان می دهد که برداشت های مختلف از عدالت جنسیتی بسته به ملاحظات ایدئولوژیک دولت، دامنه رسانه ای متفاوتی یافته و در برخی دوره ها رسانه های رسمی تاکید را بر امنیت زنان گذاشتند و در دوره های بعد بر کارآفرینی زنان.	صفری شالی (۱۳۹۴)
۹	امتزاج دو بُعد جنسیتی و مشارکتی	پیوند عدالت جنسیتی با مشارکت	نتایج حاکی است که عدالت جنسیتی به عنوان دال شناور در گفتمان کلان، پیوند خود را با عدالت مشارکتی نیز نشان داده و به مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در شوراهای و نهادهای مدنی تعمیم یافته است.	صفری شالی (۱۳۹۴)
۱۰	کاستی های عملی بیمه همگانی	فاصله شعار و واقعیت در عدالت درمانی	در حوزه سلامت، سیاست بیمه همگانی با این شعار معرفی شد که دسترسی برابر به خدمات درمانی حق همه شهروندان است، اما بررسی هزینه های دوره به دوره نشان داد که سهم عمده ای از هزینه ها همچنان بر دوش خانوار باقی مانده و شکاف عدالت در عمل تداوم یافته است.	صفری شالی (۱۳۹۴)
۱۱	ضعف نظارتی در اجرای بیمه همگانی	انطباق نارضایتمند میان هدف و اجرا	لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ تصریح می کرد: افزایش پوشش بیمه همگانی به ۸۰٪ جمعیت کشور، اما گزارش عملکرد نشان داد تنها ۶۵٪ تحت پوشش واقعی قرار گرفته اند که این عدم انطباق، ضعف نظارت و اجرای ناقص سیاست ها را برجسته می کند.	صفری شالی (۱۳۹۵)
۱۲	تأثیر سرمایه گذاری سنگین بر تداوم عدالت درمانی	فشار مالی طرح تحول سلامت	متون سیاستگذاری نشان می دهد که در کنار بیمه همگانی، طرح تحول نظام سلامت با تاکید بر زیرساخت های بیمارستانی شهری کلید خورد، اما بهای احداث و نگهداشت این زیرساخت ها به سرعت افزایش یافته و بار مالی بر بودجه عمومی و خانوارها افزوده است.	صفری شالی (۱۳۹۵)
۱۳	گسترش دامنه عدالت درمانی	ضرورت تأمین کیفیت و پایداری خدمات	کارشناسان بر این باورند که گفتمان عدالت سلامت باید فراتر از دسترسی به جریان کیفیت و پایداری خدمات نیز توجه کند تا عدالت درمانی در بلندمدت تضمین شود.	صفری شالی (۱۳۹۵)
۱۴	ناتامی مسکن حمایتی	تحقق ناقص پروژه های حمایتی	گفتمان مسکن در برنامه چهارم توسعه بر مسکن حمایتی تاکید داشت: ایجاد ۱۰۰ هزار واحد مسکن اجتماعی برای اقشار کم درآمد، اما بخش عمده این پروژه تا پایان دوره ناتمام ماند و بسیاری از مصوبات به مرحله ساخت نرسید.	صفری شالی (۱۴۰۱)
۱۵	عدم تعادل جغرافیایی در مسکن	تبعیض شهری- روستایی در سیاست مسکن	بررسی اسناد نشان داد که در دوره چهارم توسعه، انبوه سازی مسکن اولویت شهرهای بزرگ اجرا شد و مناطق روستایی از این طرح تقریباً محروم ماندند؛ تناقضی که سیاستگذاران با همگامی شهر و روستا پاسخ دادند اما اثرات آن همچنان محل مناقشه است.	صفری شالی (۱۴۰۱)
۱۶	ناکارآمدی تخصیص منابع قانونی	عدم تخصیص واقعی بودجه مصوب	در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، تخصیص ۱۰٪ درآمد فروش نفت به بخش مسکن روستایی پیش بینی شد اما گزارش های میدانی حاکی است کمتر از ۳٪ به این حوزه تخصیص یافته و ناکارآمدی شیوه تخصیص منابع نمایان شد.	صفری شالی (۱۴۰۱)
۱۷	تداخل گفتمان اقتصادی و مسکن	تضاد اولویت اقتصادی و برنامه مسکن	متون سخنرانی رئیس جمهور بر لزوم احیای بافت های فرسوده تاکید داشت اما بحران منابع و اولویت های دیگر اقتصادی مانع اجرای کامل سیاست شد؛ این موضوع نشان می دهد گفتمان مسکن در سیاست کلان گاه درگیر تضاد اولویت ها می شود.	صفری شالی (۱۴۰۱)
۱۸	پایداری ارزش های بنیادین	ثبات هسته شیعی عدالت	فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران از دوره مستضعفین تا عدالت محور نشان می دهد هسته های مفهومی عدالت شیعی مانند تکیه بر فقیرمداری و نفی اشرافیت در تمامی دولت ها پایدار بوده اما هر دوره مصادیق جدیدی یافته است.	خواجه سروی (۱۳۸۶)

۱۹	حفظ هژمونی گفتمان انقلاب	انعطاف پذیری دو محور فقیرمداری و توسعه	نویسنده با تحلیل اسناد دوره سازندگی و اصلاحات نتیجه می گیرد که در هر دوره، گفتمان عدالت بر دو محور فقیرمداری و توسعه محوریتنوع یافته و این انعطاف پذیری، امکان حفظ هژمونی گفتمان انقلاب را فراهم آورده است.	خواجه سروی (۱۳۸۶)
۲۰	پرهیز از افراط در سیاست های عدالت	میان راهی توزیع و رشد	مطالعات نشان می دهد این گفتمان در دوره های عدالت محور و اعتدال، بیشتر بر اعتدال میان توزیع و رشد اقتصادی متمرکز شده و از افراط در هر یک از رویکردها پرهیز گردیده است.	خواجه سروی (۱۳۸۶)
۲۱	سندیت هنجاری گفتمان عدالت	جایگاه قانون اساسی در هنجارسازی	در بازنگری دوره ای قانون اساسی، اصل چهارم بر سیاست گذاری در جهت تحقق عدالت اجتماعی تاکید شد که به عنوان سند مرجع، مبنای هنجاری تمامی سیاست های عدالت بعد از انقلاب قرار گرفت.	خواجه سروی (۱۳۸۶)
۲۲	گسترش گفتمان عدالت به فرامرزی	دفاع از مستضعفان جهانی	عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران بر آموزه «لیقوم الناس بالقسط» استوار است، بر این مینا ایران خود را مسئول دفاع از مستضعفان جهانی می داند و سیاست های بین المللی خود را در این چارچوب سامان می دهد.	پیشگامی فرد، زارعی (۱۳۸۹)
۲۳	بازنمایی گفتمان عدالت در دیپلماسی	نقد هژمونی غرب	متن سخنرانی وزیر خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل: ایران نقد عمیق خود را به هژمونی اقتصادی و سیاسی غرب اعلام می دارد و از نظام عادلانه ی بین المللی حمایت می کند. این گزاره نشان می دهد گفتمان عدالت هنجاری در عرصه بین الملل به زبان دیپلماسی ترجمه شده است.	پیشگامی فرد، زارعی (۱۳۸۹)
۲۴	کارکرد متناقض گفتمان عدالت در سیاست خارجی	تضاد گفتار و کردار دیپلماسی	تحلیل اسناد نشان می دهد که این گفتمان انتقادی در عمل به تحریم ها و تضيیقات متقابل منتهی شده و میزان موفقیت آن در بهبود شرایط مستضعفان جهانی محل مناقشه سیاستمداران و پژوهشگران است.	پیشگامی فرد، زارعی (۱۳۸۹)
۲۵	تنزل گفتمان عدالت از فراگیر به بومی	محدودسازی گفتمان به منافع ملی	سیاست خارجی عدالت محور در دولت احمدی نژاد با شعار عدالت برای همه همراه بود اما ملاحظات قدرت منطقه ای و رقابت های سیاسی، ساختار گفتمانی این عدالت را به منافع ملی محدود کرد.	پیشگامی فرد، زارعی (۱۳۸۹)
۲۶	عدالت ساختاری فراملی	تأکید بر بازسازی نهادهای بین المللی	گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه عدالت ساختاری نشان می دهد که اصلاح ساختارهای بین المللی، اعم از نظام حقوق بشر و ساختار مالی جهانی، در سرلوحه اهداف حکومتی قرار گرفته و ایران خواستار بازتعریف نهادهای جهانی به نفع حقوق مستضعفان است.	آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)
۲۷	کنش گرایی نظری برای اصلاح نهادها	پیشنهاد شورای عدالت جهانی	متن مقاله حاکی است که این گفتمان ساختاری نه صرفاً انتقادی بلکه سازنده است و پیشنهاداتی مانند تشکیل شورای عدالت جهانی ارائه شده تا نظارت بر سیاست های بین المللی را تقویت کند.	آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)
۲۸	قدرت نرم انقلاب در تحول نهادهای جهانی	ظرفیت منطقه ای گفتمان عدالت	پژوهشگران بر این باورند که ظرفیت گفتمان عدالت ساختاری در ایران، به دلیل تجربه انقلاب و مقاومت در برابر هژمونی، بیش از بسیاری از کشورهای مشابه در منطقه است.	آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)
۲۹	نیاز به پیوند دیپلماسی و نظریه	گسست نظری و عملی در گفتمان فرامرزی	با وجود غنای نظری، مهم ترین چالش این گفتمان، اتصال آن با کنش های عملی در عرصه بین الملل است؛ فقدان دیپلماسی مذاکره ای و توازن قوا مانع از تحقق برخی پیشنهادات ساختاری شده است.	آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)
۳۰	دوام و انسجام هنجاری گفتمان عدالت	پایداری اصول بنیادین عدالت شیعی	در میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی مطرح شد که هسته های عدالت در اندیشه شیعی، همچون دوری از اشرافیت، همدلی با محرومان و تلاش برای رفع تبعیض، در تمامی دوره های پس از انقلاب پابرجا مانده است. این اصول بنیادین با وجود تغییر مصادیق و شیوه های اجرا، به مثابه پیوند دهنده گفتمان عدالت اجتماعی عمل می کنند و پشتوانه نظری مستحکمی را برای سیاستمداران فراهم آورده اند.	خرم شاد (۱۳۸۱)
۳۱	ارتباط علم و عدالت آموزشی و اقتصادی	تأکید بر تولید علم بومی	خرم شاد تأکید کرد که نهضت تولید علم یکی از مصادیق پیوند علم و عدالت در گفتمان انقلاب است؛ چرا که تولید دانش بومی و ارتقای ظرفیت علمی دانشگاه ها به عنوان پایه های عدالت آموزشی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و نشان می دهد عدالت اجتماعی تنها به توزیع مادی محدود نمی ماند.	خرم شاد

(۱۳۸۱)				
خرم‌شاد (۱۳۸۱)	از نگاه او، جنبش نرم‌افزاری یک بستر معنایی برای ترویج عدالت فرهنگی و سیاست‌های نرم‌افزاری است. این جنبش با توسعه محتواهای بومی و نرم‌افزارهای آموزشی و فرهنگی، امکان مشارکت گسترده اقشار مختلف جامعه را در فرآیند عدالت فرهنگی و نرم‌افزاری فراهم ساخته و نشان‌دهنده ظهور بعد جدیدی از عدالت مشارکتی است.	اهمیت جنبش نرم‌افزاری	گسترش عدالت فرهنگی و مشارکتی از طریق نرم‌افزار	۳۲
خرم‌شاد (۱۳۸۱)	وی به کرسی‌های آزاداندیشی به‌عنوان نماد عملی عدالت مشارکتی اشاره کرد؛ کرسی‌هایی که در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی برگزار می‌شوند، فضای گفت‌وگو و نقد را گشودند و به فعالان و دانشجویان امکان دادند سهمی واقعی در شکل‌دهی به سیاست‌های عدالت آموزشی و اجتماعی داشته باشند.	نهادسازی کرسی‌های آزاداندیشی	تقویت مشارکت فکری و اجتماعی در عدالت	۳۳
خرم‌شاد (۱۳۸۱)	خرم‌شاد در پایان یادآور شد که تداوم همه‌جانبه‌های فرهنگی و مقاومت در برابر جریان‌های اشرافی و غیرتخصصی، بخش مهمی از گفتمان عدالت‌هنجاری را تشکیل می‌دهد، این مقاومت که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، به پایداری اخلاقی و فرهنگی گفتمان عدالت اجتماعی کمک کرده است.	مقاومت در برابر اشرافیت فرهنگی	حفظ سلامت فرهنگی و هنجاری گفتمان عدالت	۳۴
سیدی، فرانک (۱۴۰۰)	مطالعات سیدی نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی نه صرفاً به‌عنوان مظهر عدالت جنسیتی، بلکه ابزاری برای بازتعریف نقش زنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی شهری و روستایی به کار گرفته شده است. در سخنرانی‌های رسمی، بر ضرورت حضور زنان در شوراهای محلی تأکید شد و حتی در متن برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، اهداف کمی مشارکت زنان درج گردید تا بار دیگر موقعیت آنان در ساخت قدرت تثبیت شود.	تقویت کرسی‌های زنان در شورا	ارتقای جایگاه زنان در تصمیم‌سازی محلی	۳۵
سیدی، فرانک (۱۴۰۰)	یافته‌ها حاکی است که با وجود تأکید نظری بر مشارکت فراگیر، در عمل سازوکارهای اجرایی مانند ورود به فهرست نامزدها و دسترسی به منابع تبلیغاتی برای زنان محدودیت داشت. این تناقض میان دال‌های شناور عدالت مشارکتی و موانع نهادی، نشانگر مقاومت ساختاری در برابر تغییر نقش جنسیتی سنتی بوده است.	موانع نهادی مشارکت زنان	تفاوت میان تعهد گفتمانی و اجرای عملی	۳۶
سیدی، فرانک (۱۴۰۰)	بر اساس مصاحبه با فعالان NGO زنان، سیدی نتیجه می‌گیرد که شبکه‌های مردمی زنان شامل تشکل‌های علمی، فرهنگی و حمایتی نقش مهمی در افزایش مطالبه‌گری و شکل‌گیری اجماع صنفی ایفا کرده‌اند، هرچند این شبکه‌ها همچنان از حمایت دولتی مستقل برخوردار نیستند.	شکل‌گیری تشکل‌های زنان	قدرت‌گیری جامعه مدنی زنان	۳۷
سیدی، فرانک (۱۴۰۰)	در تحلیل محتوای سخنرانی‌های رؤسای جمهور، سیدی می‌نویسد که دال حمایت از خانواده به تدریج به توانمندسازی اقتصادی زنان تبدیل شد و این دگرگونی نشان می‌دهد گفتمان عدالت مشارکتی زنان قابلیت انعطاف با اولویت‌های سیاسی-اجتماعی را دارد.	تبدیل دال حمایت به توانمندسازی	تطور مفهومی عدالت مشارکتی زنان	۳۸
سیدی، فرانک (۱۴۰۰)	سیدی بر این نکته تأکید می‌کند که بدون اصلاح قانون انتخابات و تضمین حق رأی برابر، هیچ تحول نهادی در مشارکت زنان پایدار نخواهد بود و تکرار وعده‌های مشارکت در اسناد رسمی تنها در صورتی به نتیجه می‌رسد که زیرساخت‌های حقوق شهروندی تقویت شوند.	نیاز به اصلاح قانون انتخابات	پیوند مشارکت با حقوق شهروندی	۳۹
کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)	پژوهش کردزنگنه و همکاران نشان می‌دهد که در اسناد برنامه‌های پنج‌ساله، دال عمران و نوسازی روستا با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های کشاورزی و اشتغال پایدار در مناطق محروم تبلور یافته است، اما وابستگی به درآمد نفتی و تخصیص متمرکز منابع، عملاً توان اجرای این برنامه‌ها را به سطح پروژه‌های نمادین محدود کرده است.	متمرکزسازی تخصیص منابع	تضاد بین هدف و ظرفیت اجرایی توسعه روستا	۴۰
کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)	داده‌های کیفی حاکی است که کد اشتغال پایدار در اسناد توسعه روستایی به‌عنوان وعده‌ای کلیدی مطرح شده اما در عمل، تمرکز بر کارهای موقتی فصلی و تسهیلات خرد، نتوانست تضمین واقعی برای پایداری معیشت روستاییان باشد.	ناکافی بودن طرح‌های اشتغال فصلی	فقدان استراتژی بلندمدت اشتغال در روستا	۴۱
کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)	تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که مشارکت محلی در قالب شوراهای اسلامی روستا بایستی نقش نظارتی و مشورتی می‌داشت اما به دلیل عدم استقلال مالی و اجرایی، بیشتر به نقش نمایشی تقلیل یافته و نتوانسته است بازوی قدرتمندی برای عدالت مشارکتی در مناطق محروم باشد.	تقلیل نقش شوراهای محلی به نمایشی	ضعف ساختاری نهادهای محلی	۴۲

۴۳	تعارض منافع ملی با توسعه روستایی	تضاد اقتصاد نفتی و تنوع اقتصادی	پژوهشگران اشاره می کنند که دال اقتصاد نفتی در اسناد توسعه روستایی همواره با دال تنوع بخشی اقتصادی در تضاد بوده و این دوگانگی، راه را برای سیاست های نیمه تمام و پروژه های کوتاه مدت هموار کرده است.	کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۹۹)
۴۴	ضرورت دموکراتیزه شدن تصمیم های توسعه روستایی	انتقال تخصیص از بالا- پایین به مشارکتی	این مطالعه تأکید می کند که برای تحقق عدالت توزیعی در روستاها، لازم است سازوکارهای تخصیص منابع از الگوی بالا-پایین به فرایندهای مشارکتی مردمی منتقل شود تا بازتوزیع واقعی و شفاف صورت گیرد.	کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۹۹)
۴۵	ظهور مطالبه گری شبکه های اقشار حاشیه نشین	نابرابری اقتصادی به عنوان محرک گفتمان	زایرکعبه و همکاران نشان می دهند که نابرابری اقتصادی و گستردگی فقر در دهه های پس از انقلاب، بستری برای بروز گفتمان عدالت اجتماعی فراهم آورد که در آن گروه های اقلیتی و حاشیه نشین مطالبه گری خود را از طریق شبکه های محلی و رسانه های مستقل تقویت کردند.	زایرکعبه، رحیم، قریشی فرد، فردین، علی زاده اقدام، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۶	پیوند فشار خارجی با جنبش های مطالبه گرانه داخلی	تأثیر تحریم ها بر حساسیت عدالت ساختاری	تحلیل تاریخی-تکوینی نشان می دهد فشار بین المللی و تحریم های اقتصادی باعث شد جامعه ایرانی نسبت به عدالت ساختاری اعم از توزیع منابع و مشارکت سیاسی حساسیت بیشتری پیدا کند و این حساسیت در گفتمان های مدنی و رسانه ای منعکس شود.	زایرکعبه، رحیم، قریشی فرد، فردین، علی زاده اقدام، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۷	فشار مردمی به اصلاح سیاست های رسمی	کنشگری مستقل نهادهای مدنی	داده های مصاحبه نشان می دهد نقش نهادهای مدنی در تقویت گفتمان عدالت، اغلب در غیاب حمایت رسمی دولت، از طریق اقدامات محلی و شبکه سازی اجتماعی انجام شده و این امر، نوعی فشار از پایین به بالا را در فرایندهای سیاست گذاری ایجاد نموده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی فرد، فردین، علی زاده اقدام، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۸	بروز مطالبه گری نسل جوان	تأثیر متغیرهای جمعیتی بر گفتمان عدالت	این پژوهش بر تأثیر ساختارهای جمعیتی نظیر افزایش جمعیت جوان و تحولات جنسیتی بر گفتمان عدالت تأکید می کند و نشان می دهد که تحولات جمعیتی، مطالبات جدیدی در زمینه عدالت آموزشی و شغلی به وجود آورده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی فرد، فردین، علی زاده اقدام، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۹	تداوم و بازتولید شبکه های گفتمان عدالت	گفتمان به مثابه محصول تعامل تاریخی	زایرکعبه و همکاران نتیجه می گیرند که گفتمان عدالت اجتماعی در ایران، بیش از آنکه محصول یک دوره خاص باشد، برآمده از تعامل تاریخی ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که در قالب شبکه های اجتماعی محلی بازتولید شده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی فرد، فردین، علی زاده اقدام، محمدباقر (۱۳۹۶)
۵۰	تنوع رویکردهای رفاهی در دوره های مختلف	ظهور چهار گفتمان رفاهی	تحلیل رفاه و تأمین اجتماعی نشان می دهد در دولت سازندگی، چهار گفتمان مستضعف محوری، جبران کاستی های توسعه اقتصادی، نظام جامع رفاه و دسترسی یکسان به حمایت ها پدیدار شدند که هر یک در اسناد رسمی برنامه های توسعه بازتاب یافته است.	اسدی زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)
۵۱	نقش تشکلهای غیردولتی در تضمین عدالت رفاهی	برون سپاری بخشی از خدمات رفاهی	در دوره اصلاحات، تمرکز بر گفتمان دسترسی یکسان باعث شد سیاست های بیمه ای و حمایتی از چارچوب متمرکز خارج و به نفع تنوع خدمات ارائه شده توسط NGO ها و شرکتهای تعاونی به روزرسانی شود.	اسدی زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)
۵۲	تأثیر نابرابر پرداخت یارانه بر عدالت رفاهی	انحراف توزیعی یارانه ها	داده ها حاکی است که گفتمان جبران کاستی های توسعه اقتصادی در لوایح برنامه چهارم توسعه بر افزایش یارانه ها و تسهیلات بانکی برای اقشار آسیب پذیر تأکید داشت اما پرداخت های یارانه ای اغلب به دهک های بالاتر نیز رسید و شکاف توزیع را تشدید کرد.	اسدی زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)

اسدی زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)	این تحقیق نشان می‌دهد که در دولت عدالت‌محور، گفتمان نظام جامع رفاه بازتعریف شد تا علاوه بر پوشش بیمه‌ای، به پوشش آموزشی و بانفستگي نیز بپردازد، اقدامی که در اسناد رسمی با ادبیات پوشش چندلایه توصیف شده است.	بازتعریف نظام رفاه به پوشش چندلایه	توسعه رویکرد یکپارچه رفاهی	۵۳
اسدی زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)	اسدی زاهد و همکاران تأکید می‌کنند که بدون ایجاد سازوکارهای نظارت و ارزیابی دوره‌ای، گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در حد شعار باقی می‌ماند و اجرای عملی سیاست‌ها با چالش‌های شفافیت روبه‌رو خواهد شد.	نیاز به نظارت دوره‌ای بر سیاست‌های رفاهی	تقویت شفافیت و پاسخگویی در نظام رفاه	۵۴
کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)	نسبت‌سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه نشان می‌دهد که ترکیب‌گزینشی سیاست‌های لیبرالی و مداخله‌گرایانه اعم از بازار آزاد و تنظیم مقررات دولتی به ارتقاء نسبی شاخص‌های عدالت مانند ضریب جینی و نرخ فقر منجر شده، اما هیچ الگوی خالصی نتوانسته عدالت را به‌طور کامل تأمین کند.	ترکیب‌گزینشی سیاست‌های لیبرالی و مداخله‌گر	ضرورت تلفیق دو رویکرد توسعه‌ای	۵۵
کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)	کتابی با تحلیل داده‌های آماری دوره‌های مختلف نشان داد که دولت‌هایی که بر مداخله مستقیم در بازار تأکید داشتند، کاهش ضریب جینی کوتاه‌مدت بیشتری تجربه کردند اما در بلندمدت اثرات آنان قابل استمرار نبود.	کاهش موقت ضریب جینی	ناپایداری آثار سیاست‌های مداخله‌گرانه	۵۶
کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)	مطالعه مقایسه‌ای بین دولت‌های اصلاحات و عدالت‌محور حاکی از آن است که افزایش نرخ مشارکت سیاسی و اجتماعی نظیر حضور NGO ها با کاهش فقر مطلق ارتباط معناداری دارد، نکته‌ای که نشان می‌دهد عدالت توزیعی و مشارکتی باید همزمان مدنظر سیاست‌گذاران باشد.	ارتباط مشارکت مدنی و کاهش فقر	نقش هم‌افزایی مشارکت و توزیع در نتایج عدالت	۵۷
کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)	پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که الگوی عدالت تلفیقی می‌تواند راهگشای سیاست‌های آینده باشد، الگویی که بر محور هم‌افزایی مداخلات اقتصادی، نهادسازی مدنی و سواگیری هنجاری مبتنی است.	پیشنهاد مدل عدالت تلفیقی	ضرورت راهبرد ترکیبی برای عدالت اجتماعی	۵۸
کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)	کتابی تأکید می‌کند که سنجش کمی نتایج نظیر نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و ضریب جینی باید همراه با تحلیل گفتمانی مضامین باشد تا سیاست‌گذاران تصویری جامع از تأثیرات توصیفی و معنادار سیاست‌های عدالت بدست آورند.	پیوند سنجش کمی و تحلیل کیفی	یکپارچگی داده‌های کمی و تحلیل گفتمانی	۵۹
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)	گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بر دو محور اسلامیت و ایرانیت همراه با یاری مستضعفان استوار بود، رویکردی که در بیانیه‌های رسمی بر ضرورت حمایت از ملت‌های تحت فشار تأکید داشت و ایران را به‌عنوان رهبر اخلاقی منطقه معرفی می‌کرد.	امتزاج اسلامیت و ایرانیت با عدالت خارجی	پیوند هویت دین - ملی با سیاست خارجی عدالت‌محور	۶۰
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)	تحلیل سخنرانی وزیر خارجه نشان می‌دهد که دال یاری مستضعفان به‌عنوان پیام اصلی مورد تأکید قرار گرفت و این رویکرد در اسناد سیاست خارجی به‌صورت «اولویت حمایت از ملت‌های محروم» ترجمه شد.	تأکید بر اولویت ملت‌های محروم	تمرکز بر دیپلماسی انسان‌محور	۶۱
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)	با وجود برجسته‌سازی عدالت در سیاست خارجی، دهقانی فیروزآبادی اشاره می‌کند که تضاد منافع امنیت ملی و عمل به تعهدات اخلاقی، گاه گفتمان عدالت را به سمت گزینش هدف‌مند محدود کرده است.	تضاد امنیت ملی و اصول اخلاقی	محدودسازی گفتمان عدالت بر اساس ملاحظات امنیتی	۶۲
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)	متن گزارش نماینده ایران در نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که گفتمان عدالت‌محور با گفتمان مقاومت تلفیق شده و شعار نه شرقی، نه غربی به‌صورت عدالت همه‌جهانی بازتفسیر گشت.	تلفیق مقاومت و عدالت جهانی	گسترش گفتمان عدالت فراملی با گفتمان مقاومت	۶۳
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)	پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که این گفتمان عدالت خارجی، اگرچه هنجاری غنی داشت اما برای تحقق آن نیازمند ابزار دیپلماسی سازنده‌تر و همکاری چندجانبه بود که در آن دولت ایران نقش میانجی‌گر را نیز ایفا نماید.	نیاز به دیپلماسی چندجانبه	تقویت ابزارهای عملی تحقق عدالت در سیاست خارجی	۶۴

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)	در گفتمان عدالت دوره پس از دولت اصول‌گرا، دال «مقابل به هژمونی قدرت‌های بزرگ» جای خود را به «تعامل مسئولانه با جهان» داد تا توازن میان اصول عدالت‌محور و منافع ملی برقرار شود.	جایجایی از مقابل به تعامل مسئولانه	تعدیل گفتمان خارجی در برابر منافع ملی	۶۵
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)	متون سیاست خارجی حکایت از آن دارد که پس از ۱۳۸۸، مفهوم عدالت جهانی با رویکردی واقع‌بینانه‌تر به عدالت منطقه‌ای تقلیل یافت و کشورهای همسایه در اولویت همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند.	تقلیل عدالت جهانی به منطقه‌ای	تمرکز بر همکاری منطقه‌ای به جای کلی‌نگری	۶۶
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)	گزارش‌های آماری وزارت خارجه نشان می‌دهد که میزان همکاری ایران با سازمان‌های منطقه‌ای توسعه‌ای نظیر اکو افزایش یافته و این اقدام در گفتمان رسمی به‌مثابه گامی در جهت تحقق عدالت منطقه‌ای توصیف شد.	گسترش همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای	تحقق جزئی عدالت از طریق نهادسازی منطقه‌ای	۶۷
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)	این پژوهش نتیجه می‌گیرد که گفتمان عدالت در سیاست خارجی ایران، ظرفیت انعطاف با شرایط بین‌المللی را دارد؛ به شرط آنکه با ابزارهای حقوق بین‌الملل و نهادهای چندجانبه همراه شود.	انعطاف‌پذیری گفتمان عدالت خارجی	ضرورت پیوند گفتمان با حقوق بین‌الملل	۶۸
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)	اسناد نهادهای بین‌المللی خاطرنشان می‌کنند که ایران می‌تواند با ارائه مدل عدالت اسلامی منطقه‌ای الگویی برای کشورهای در حال توسعه باشد؛ مدلی که ترکیبی از ارزش‌های بومی و سازوکارهای فراملی است.	ارائه مدل عدالت اسلامی منطقه‌ای	قابلیت الگوبرداری برای کشورهای مشابه	۶۹
Fraser (۲۰۰۱)	او نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر بازتوزیع بدون بازشناسی منجر به نادیده‌گرفتن تبعیض‌های نمادین و فرهنگی می‌شود و بر این اساس عدالت باید هم‌زمان در دو سطح ماده و معنا دنبال گردد تا تحقق انصاف اجتماعی ممکن شود.	ضرورت بازشناسی فرهنگی	مقابل به تبعیض نمادین و فرهنگی	۷۰
Fraser (۲۰۰۱)	Fraser مفهوم مشارکت برابانه را مطرح می‌کند که در آن همه ی اعضای جامعه باید امکان مشارکت در فرایندهای سیاسی و فرهنگی را داشته باشند و نبود مشارکت، نشانه ی نابرابری در ساختارهای هنجاری جامعه است.	مشارکت برابانه	شاخص عدالت مشارکتی	۷۱
Fraser (۲۰۰۱)	به باور او، یک سیاست عدالت اجتماعی موفق باید علاوه بر ابزارهای مالی، به اصلاح نظام‌های فرهنگی از طریق حمایت از تنوع زبانی، مذهبی و قومی نیز بپردازد تا همه گروه‌ها بتوانند صدای خود را در ساختار عمومی مطرح کنند.	اصلاح نظام‌های فرهنگی	تضمین تنوع و شمول	۷۲
Fraser (۲۰۰۱)	او در نهایت تأکید می‌کند که بازشناسی و بازتوزیع نباید به‌صورت دو جزء جدا عمل کنند؛ بلکه یک چارچوب عملیاتی یکپارچه لازم است تا تضاد میان افزایش عدالت اقتصادی و عدالت فرهنگی برطرف گردد.	یکپارچگی بازتوزیع و بازشناسی	هم‌افزایی ابعاد عدالت	۷۳
Fraser (۲۰۰۱)	بر این اساس، عدالت اجتماعی باید همواره هم‌زمان به جنبه‌های مادی توزیع منابع و جنبه‌های نمادین بازشناسی هویت‌ها توجه کند تا ساختارهای قدرت نمادین تغییر یابند و جامعه به سمت انصاف کلان حرکت کند.	تلفیق فرآیندهای مادی و نمادین	تغییر ساختارهای قدرت نمادین	۷۴
Foucault (۱۹۷۲)	فوکو گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که تعیین می‌کنند چه چیزهایی قابل گفتن هستند و چه چیزهایی از حیطه سخن خارج می‌ماند، این سازوکار نه‌تنها شکل‌دهنده دانش است بلکه بازتولیدگر قدرت نیز محسوب می‌شود.	گفتمان به‌مثابه سازوکار قدرت و دانش	محدودسازی حوزه سخن و بازتولید قدرت	۷۵
Foucault (۱۹۷۲)	او با معرفی مفهوم تاریخچه‌شناسی گفتمان نشان می‌دهد که باید لایه‌های پنهان زبان و قواعد ضمنی آن را کاوش کرد تا ساختارهای قدرت درون گفتمان‌های رسمی آشکار گردد.	کاوش قواعد ضمنی زبان	آشکارسازی قدرت در لایه‌های پنهان	۷۶
Foucault (۱۹۷۲)	فوکو رابطه میان قدرت و دانش را بررسی می‌کند و می‌گوید هر نوع دانش تولیدشده، خود محصول شبکه‌های قدرت است که شواهد و محدودیت‌های خاصی را بر اعتبار گزاره‌ها تحمیل می‌کنند.	پیوند قدرت و دانش	تضاد مشروعیت گزاره‌ها	۷۷
Foucault (۱۹۷۲)	مفهوم تشکیلات گفتمانی توسط او ارائه شد تا توضیح دهد چگونه گزاره‌ها در یک دوره تاریخی به هم پیوند می‌خورند و یک نظام دانش - قدرت را شکل می‌دهند.	تشکیلات گفتمانی	نظام‌مندی گزاره‌ها و تاریخچه‌شناسی	۷۸
Foucault (۱۹۷۲)	فوکو از روش باستان‌شناسی دانش بهره می‌گیرد و معتقد است باید لایه‌های پنهان متون و اسناد را کاوید تا قواعد بی‌سخنی و سکوت‌های گفتمانی نیز فهمیده شوند.	باستان‌شناسی دانش	استخراج سکوت‌های نمادین	۷۹

Fairclough (۱۹۹۲)	فیرکلاف شاخصه گفتار به مثابه عمل اجتماعی را مطرح می کند و می گوید تحلیل گفتمان انتقادی باید رابطه ی متن و ساختارهای اجتماعی حامی آن را بررسی نماید تا نقش زبان در بازتولید قدرت و ایدئولوژی مشخص شود.	گفتار به مثابه عمل اجتماعی	پیوند زبان و ساختارهای اجتماعی	۸۰
Fairclough (۱۹۹۲)	او مدل سه بعدی خود را معرفی می کند: تحلیل متن، فرایند تولید و مصرف متن و زمینه های اجتماعی بزرگ تر؛ و معتقد است توجه به هر سه بعد، امکان فهم انتقادی گفتمان را فراهم می آورد.	مدل سه بعدی CDA	ترکیب متن، فرایند و زمینه	۸۱
Fairclough (۱۹۹۲)	فیرکلاف بر اهمیت بین گفتاری تأکید دارد که در آن بخشی از گفتمان ها به صورت تلفیقی از چند گفتمان دیگر شکل می گیرد و این همپوشانی، ساختار قدرت را پیچیده تر می سازد.	بین گفتاری	همپوشانی گفتمان ها	۸۲
Fairclough (۱۹۹۲)	در تحلیل انتقادی سیاست، فیرکلاف پیشنهاد می کند به گره خوردگی زبان و ایدئولوژی توجه شود تا فهمید یک گزاره چگونه اهداف سیاسی خاصی را در متن سیاستگذاری حمایت می کند.	گره خوردگی زبان و ایدئولوژی	شناسایی منافع پنهان	۸۳
Fairclough (۱۹۹۲)	او تأکید دارد که تحلیل گفتمان باید به تغییرات ناشی از دگرگونی اجتماعی نیز بپردازد تا بتوان روند تحول گفتمانی را در پیوند با تغییرات ساختاری و ایدئولوژیک فهمید.	تحلیل تحول گفتمانی	رصد همزمانی تغییر متن و ساختار	۸۴
Guest et al. (۲۰۱۲)	در روش تحلیل مضمون کاربردی، تأکید بر تدوین کتابچه ی کد است که شامل دستورالعمل های دقیق برای ورود، تعریف و به روزرسانی کدها می باشد و کمک می کند تحلیلگران با تداوم و انسجام میان تیم های تحقیق هماهنگ باقی بمانند.	تدوین کتابچه ی کد	تضمین انسجام میان تحلیلگران	۸۵
Guest et al. (۲۰۱۲)	آن ها ابزار نقطه اشباع داده را معرفی می کنند و معتقدند که هنگامی می توان کدگذاری را متوقف کرد که هیچ ایده ی مفهومی جدیدی استخراج نشود و تحلیل تا رسیدن به اشباع مفهومی ادامه یابد.	نقطه اشباع داده	معیار قطع فرایند کدگذاری	۸۶
Guest et al. (۲۰۱۲)	پژوهشگران بر تعادل میان کدگذاری القایی (بدون پیش فرض) و قیاسی (بر اساس تئوری ها) تأکید دارند و توصیه می کنند پیش از شروع، چارچوب نظری اولیه مشخص و همزمان آماده ی بازبینی بر اساس مشاهدات میدانی باشد.	تعادل کدگذاری القایی و قیاسی	تلفیق نظریه و داده	۸۷
Guest et al. (۲۰۱۲)	آن ها فهرستی از نکات عملی برای بهبود پایایی شامل ثبت دقیق زمان بندی تحلیل، نسخه برداری از جلسات تبادل نظر و ذخیره سازی نسخه های بازبینی شده ارائه کرده اند که به افزایش شفافیت روند کمک می کند.	استفاده از چک لیست اطمینان سنجی	مستندسازی فرایند	۸۸
Guest et al. (۲۰۱۲)	همچنین ابزار «چک لیست اطمینان سنجی کدها» را پیشنهاد می کنند که شامل مجموعه ای از سوال ها برای سنجش جامعیت و دقت کدها و اطمینان از تکرارپذیری تحلیل است.	چهار معیار اعتمادپذیری	تضمین کیفیت و دقت کدگذاری	۸۹
Nowell et al. (۲۰۱۷)	برای تضمین معیارهای اعتمادپذیری، ناول و همکاران چهار مولفه را معرفی می کنند: اعتبار <sup>۱۲</sup> ، انتقال پذیری <sup>۱۳</sup> و تأییدپذیری <sup>۱۴</sup> که هر یک باید به صورت تفصیلی ارزیابی و گزارش شوند.	شواهد چندمنبعی	مقاله های کلیدی روایی	۹۰
Nowell et al. (۲۰۱۷)	آن ها روش شواهد چندمنبعی را توصیه می کنند، یعنی استفاده از منابع مختلف (سخنرانی، اسناد، مصاحبه) برای کدگذاری و تطبیق نتایج به منظور افزایش اعتبار یافته ها.	بازخورد مشورتی	مقابله با سوگیری منابع	۹۱
Nowell et al. (۲۰۱۷)	استفاده از بازخورد مشورتی با همکاران روش دیگری است که توصیه شده؛ به طوری که نسخه اولیه تحلیل و کدها در جلسات تخصصی نقد و بازنگری گردد تا از انحراف تحلیلی جلوگیری شود.	یادداشت های منعکس کننده	بهبود اعتبار از طریق نقد همتا	۹۲
Nowell et al. (۲۰۱۷)	آن ها بر ضرورت بازنگری انکاسی تأکید دارند، یعنی پژوهشگران باید یادداشت های منعکس کننده ی پیش فرض ها و احساسات خود را ثبت کنند تا تأثیر سوگیری شخصی بر تحلیل کاهش یابد.	آزمون ضریب کاپا	کنترل سوگیری تحلیلی	۹۳
Nowell et al. (۲۰۱۷)	در نهایت، آزمون اعتماد بین کدگذار استفاده از روش هایی مانند محاسبه ضریب کاپا پیشنهاد شده تا میزان تطابق کدگذاری مستقل دو یا چند پژوهشگر سنجیده شود.	همزمنی گفتمانی	سنجش توافق میان تحلیلگران	۹۴
Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)	لاکلاو و موفه مفهوم همزمنی را معرفی می کنند که فرایندی است که در آن یک گفتمان گسترده با پیوند دال های شناور به دال مرکزی، توانایی جذب معناها و تحمیل منطق خود را بر جامعه به دست می آورد.	مفصل بندی	جذب و انسجام معناها در گفتمان	۹۵
Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)	آن ها مفصل بندی را فرایندی می دانند که معناها ی چندگانه به یک دال مرکزی پیوند می خورند و این اتصال امکان بسط گفتمان در حوزه های مختلف سیاسی و اجتماعی را فراهم می آورد.	دال شناور	اتصال دال های شناور به هسته مرکزی	۹۶
Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)	مفهوم دال شناور نیز معرفی شده، نشانه ای که می تواند معانی متفاوتی به خود بگیرد و در نتیجه گفتمان های رقیب برای کسب همزمنی بر سر تعریف آن به رقابت می پردازند.	زنجره ی هم ارز قوا	انعطاف معنایی و رقابت گفتمانی	۹۷
Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)	زنجره ی هم ارز قوا شرح می دهد چگونه گروه ها و خواسته های مختلف با یکدیگر متحد می شوند تا هویت گفتمانی واحدی بسازند و منطق گفتمان غالب را تقویت کنند.	تضاد و اروایی سازی	اتحاد مطالبات برای تقویت گفتمان	۹۸
Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)	آن ها به نقش تناقض و اروایی سازی اشاره می کنند که گفتمان غالب با نشان دادن گروه های دیگری تعریف می شود و امکان تقویت همزمنی از طریق برجسته سازی این تضادها فراهم می شود.	ظرفیت سازی مشارکت مردمی	ساخت هویت گفتمانی از طریق تعریف دیگری ها	۹۹

تم های نهایی، مضامین

ردیف	تم نهایی	مضامین	کدهای اولیه
۱	عدالت توزیعی	اجرا و کاستی های سیاست های درمانی	فاصله شعار و واقعیت در عدالت درمانی، انطباق نارضایتی میان هدف و اجرا، فشار مالی طرح تحول سلامت
۲		چشم انداز و تحدیدهای سیاست های رفاهی	ظهور چهار گفتمان رفاهی، برون سپاری بخشی از خدمات رفاهی، انحراف توزیعی بارانه ها، بازتعریف نظام رفاه به پوشش چندلایه، نیاز به نظارت دوره ای بر سیاست های رفاهی
۳		نابرابری و ناکارآمدی در توزیع مسکن و توسعه روستایی	تبعیض شهری-روستایی در سیاست مسکن، عدم تخصیص واقعی بودجه مصوب، تضاد اولویت اقتصادی و برنامه مسکن، متمرکزسازی تخصیص منابع، ناکافی بودن طرح های اشتغال فصلی، تقلیل نقش شوراهای محلی به نمایشی، انتقال تخصیص از بالا-پایین به مشارکتی
۴	عدالت مشارکتی	تحول گفتمان عدالت جنسیتی و مشارکت زنان	بازتعریف متغیر عدالت جنسیتی، توانمندسازی اقتصادی زنان، تقابل ارزش و فرصت در گفتمان جنسیتی، تغییر بستر رسانه ای در گفتمان جنسیتی، پیوند عدالت جنسیتی با مشارکت
۵		ظرفیت سازی مشارکت مردمی	مشارکت برابرانه، نهادسازی کرسی های آزاداندیشی، کنشگری مستقل نهادهای مدنی، ارتباط مشارکت مدنی و کاهش فقر

<sup>۱۲</sup> Credibility

<sup>۱۳</sup> Dependability

<sup>۱۴</sup> Transferability

<sup>۱۵</sup> Confirmability

۶	مدل‌های یکپارچه برای عدالت توزیعی و مشارکتی	پیشنهاد مدل عدالت تلفیقی، پیوند سنجش کمی و تحلیل کیفی
۷	بنیان‌های فلسفی و حقوقی گفتمان عدالت	تلفیق فلسفه سیاسی و شریعت، تمایز روایت هستی‌شناختی و هنجاری، اولویت هنجار بر هستی‌شناسی، ثبات هسته‌ی شیعی عدالت، جایگاه قانون اساسی در هنجارسازی
۸	تطور و انعطاف‌پذیری گفتمان عدالت	نوسان تمرکز بر فرد و جمع، انعطاف‌پذیری دو محور فقیرمداری و توسعه، میان‌راهی توزیع و رشد، گفتمان به‌مثابه محصول تعامل تاریخی
۹	گفتمان عدالت در عرصه بین‌الملل	دفاع از مستضعفان جهانی، نقد هژمونی غرب، تضاد گفتار و کردار دیپلماسی، محدودسازی گفتمان به منافع ملی، تأکید بر بازسازی نهادهای بین‌المللی
۱۰	عدالت فرهنگی و نمادین	ضرورت بازشناسی فرهنگی، اصلاح نظام‌های فرهنگی، یکپارچگی بازتوزیع و بازشناسی، تلفیق فرآیندهای مادی و نمادین
۱۱	قدرت و ساختار گفتمانی	گفتمان به‌مثابه سازوکار قدرت و دانش، کاوش قواعد ضمنی زبان، پیوند قدرت و دانش، تشکیلات گفتمانی، باستان‌شناسی دانش
۱۲	رویکردهای روش‌شناختی تحلیل مضمون	تدوین کتابچه‌ی کد، نقطه اشباع داده، تعادل کدگذاری القایی و قیاسی، ثبت زمان‌بندی و بازبینی‌های مکرر، استفاده از چک‌لیست اطمینان‌سنجی
۱۳	تضمین روایی و پایایی در تحلیل مضمون	چهار معیار اعتمادپذیری، شواهد چندمنبعی، بازخورد مشورتی، یادداشت‌های منعکس‌کننده، آزمون ضریب کاپا

### منابع فارسی

- [۱]. براتعلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۴). الگوپردازی سیاست عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ پاسخی به ناسازنمایی دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۳(۸)، ۳۳-۵۶. <https://sid.ir/paper/۵۰۴۱۵۹/fa>
- [۲]. صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۲۲(۲)، ۲۱۱-۲۳۷. <https://sid.ir/paper/۲۶۴۳۸۸/fa>
- [۳]. صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۵). گفتمان عدالت دولت‌های پس از انقلاب در حوزه سلامت. مطالعات راهبردی، ۱۹(۴)، ۸۹-۱۱۴. <https://sid.ir/paper/۹۲۷۱۵/fa>
- [۴]. صفری‌شالی، رضا. (۱۴۰۱). گفتمان عدالت در حوزه مسکن در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۹(۱)، ۱۹۵-۲۲۶.
- [۵]. خواجه‌سروی، غلامرضا. (۱۳۸۶). فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۳(۶)، ۵-۳۵. <https://sid.ir/paper/۱۳۴۵۳۹/fa>
- [۶]. پیشگاهی‌فرد، زهرا، و زارعی، بهادر. (۱۳۸۹). عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران. سیاست-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۰(۳)، ۹۲-۷۵. <https://sid.ir/paper/۱۱۰۰۸۲/fa>
- [۷]. آدمی، علی، و ابویسانی، سعیده. (۱۳۹۵). گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه عدالت ساختاری برای جهانی عاری از خشونت. اندیشه سیاسی در اسلام، ۲(۷)، ۷-۳۱. <https://sid.ir/paper/۲۶۷۱۷۳/fa>
- [۸]. خرم‌شاد، محمدباقر. (۱۳۸۱). میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی. اندیشه انقلاب اسلامی، ۱(۱)، ۱-۱۰. <https://sid.ir/paper/۴۷۸۹۰۸/fa>
- [۹]. سیدی، فرانک. (۱۴۰۰). بازتولید پرسمان مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۲)، ۷-۲۸. <https://sid.ir/paper/۱۰۶۰۱۲۲/fa>
- [۱۰]. کردزنگنه، منوچهر، وحید، فریدون، و مهاجرانی، علی‌اصغر. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان معنای توسعه جوامع روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله دولت بعد از انقلاب اسلامی ایران. توسعه اجتماعی، ۱۵(۲)، ۲۰۹-۲۸۰. <https://sid.ir/paper/۹۵۲۵۹۳/fa>
- [۱۱]. زابرقعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، و علی‌زاده‌اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۶). زمینه‌های جامعه‌شناختی تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در ایران: مطالعه موردی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۲(۵)، ۹۳-۱۲۲. <https://sid.ir/paper/۲۶۰۵۳۵/fa>
- [۱۲]. اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد، و کربیبی، علی. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۰(۱۹۱)، ۸۹-۱۱۵. <https://sid.ir/paper/۹۲۷۱۵/fa>
- [۱۳]. کتابی، امیرعلی. (۱۴۰۰). نسبت‌سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۲۹-۵۲. <https://sid.ir/paper/۱۰۶۰۶۲۵/fa>
- [۱۴]. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۶). گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دانش سیاسی، ۳(۵)، ۶۷-۹۸. <https://sid.ir/paper/۱۳۴۵۱۴/fa>
- [۱۵]. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. معرفت سیاسی، ۱(۱)، ۱-۱۰. <https://sid.ir/paper/۴۷۴۳۰/fa>

### منابع انگلیسی

- [۱۶]. Braun, V., & Clarke, V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, ۳(۲), ۷۷-۱۰۱.
- [۱۷]. Fraser, N. (۲۰۰۱). *Redistribution or recognition? A political-philosophical exchange*. Verso.
- [۱۸]. Foucault, M. (۱۹۷۲). *The archaeology of knowledge*. Pantheon Books.
- [۱۹]. Fairclough, N. (۱۹۹۲). *Discourse and social change*. Polity Press.
- [۲۰]. Guest, G., McQueen, K. M., & Namey, E. (۲۰۱۲). *Applied thematic analysis*. SAGE Publications.
- [۲۱]. Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (۲۰۱۷). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, ۱۶, ۱۵۱۳.
- [۲۲]. Laclau, E., & Mouffe, C. (۲۰۰۱). *Hegemony and socialist strategy*. Verso.
- [۲۳]. Putnam, R. D. (۱۹۹۳). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton University Press.
- [۲۴]. Rawls, J. (۱۹۷۱). *A theory of justice*. Harvard University Press.
- [۲۵]. Sanders, L. M. (۱۹۹۷). Against deliberation. *Political Theory*, ۲۵(۳), ۳۴۷-۳۷۶.
- [۲۵]. Sen, A. (۲۰۰۹). *The idea of justice*. Belknap Press of Harvard University Press.